

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۸۸ / سال هشتم / اردیبهشت ماه ۹۹ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



روز کارگر بر همه مزدبگیران شادباش!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۸۸ از دیپشت ماه ۱۳۹۸ در ایران بصورت جایی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

پیش گفتار پرستاران، قهرمانان عرصه درمان! ص ۱

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۲

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۲۷

«از قدرت سیستم بهداشتی ایران شگفت زده شدم» ص ۳۸

درسهایی که از شیوع کرونا ص ۴۰

کرونا، وسواس، منفعت! ص ۴۶

فراخوان فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری ص ۴۸

کارگران فلزکار ترکیه ص ۴۹

نان بالاتر از هر چیز، حنا سلامتی! ص ۵۰

گزارشی به سندیکا ص ۵۲

توفان گرانی پیش می آید! ص ۵۵

برشی از مبارزات آموزگاران! ص ۵۶

به معلمین میهنم! به آموزگارانم! ص ۶۰

صادق ص ۶۱

کرونا و زنان سرپرست خانوار! ص ۶۲

گرامی باد اول ماه مه (شعر) ص ۶۷

تلخ و شیرین های کاریم عاشقی ص ۶۹



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلزکار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

پرستاران، قهرمانان عرصه درمان!

در این روزها که پرستاران بیش از ۸۰ روز است برای مهار و نابودی بیماری کرونا با تمام توان به میدان آمده اند، متأسفانه نه تنها زحمات این قهرمانان در تبلیغاتی پر سروصدا دیده نشد، بلکه وضعیت شغلی و تندرستی شان نیز به خطر افتاد. اخراج دستجمعی پرستاران بیمارستان آتیه، عقب افتادن حقوق پرستاران به مدت چند ماه، عدم دریافت اضافه کاری و پاداشی در خور، از مصایب این روزهای پرستاران است. به گفته دبیرکل خانه پرستار: حقوق پرستاران ۲۰ برابر کمتر از پزشکان بوده و اجرا نشدن قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که در سال ۸۶ مصوب شده و از همه مهمتر اینکه کشور با کمبود ۱۰۰ هزار پرستار در کشور مواجه است و کار این ۱۰۰ هزار نفر بر دوش پرستاران سنگینی کرده و درصد خطای آنان را بالا می برد، از اهم خواسته های پرستاران است. فشار کاری که می توانست با استخدام پرستاران بیکار از آن کاسته شود و حتا با دعوت از پرستاران بازنشسته شده می توانست یاریگر این روزهای پرستاران گردد که شوربختانه با بی توجهی وزارت بهداشت روبرو شد.

خستگی های مفرط، دوری از خانواده، دغدغه عقب افتادن دستمزدها، همگی به سلامت روانی و جسمی این پیکارگران صدمه ای مهلک زده است.

آیا با چند کلیپ و آفرین گفتن موضوع حقوق، کارانه، اضافه کاری، کمبود پرستار، صدمات روحی و جسمی بهبود خواهد یافت؟

سیاست های نئولیبرالیستی، از فداکاری انسانها هم سود خود را می خواهد.

هیات تحریریه پیام سندیکا



در کنار هم همبسته می مانیم!

سخنرانی والتر سانچز دبیرکل کنفدراسیون جهانی اینداستریال

سلام برادران و خواهران من، می خواهم روز اول ماه مه را به همه شما تبریک بگویم. برای اولین بار در این ۱۳۰ سال، کارگران جهان نمی توانند به خیابان بروند و قادر به دفاع از حقوق و مطالبات خود نیستند.

بحرانی که ما از آن عبور می کنیم یک بحران قابل پیش بینی بود. اگر سیستم نئولیبرالیسم به وپروس شناسان و دانشمندانی که پیش بینی می کردند چنین بیماری همه گیری اتفاق خواهد افتاد، گوش کرده بودند. همان سیستم و سیاستهای نئولیبرالی که طی سالیان متمادی خدمات عمومی را از طریق خصوصی سازی از بین برده و سرمایه گذاری ها را کاهش داده و اکنون مسوول تعداد بالای قربانیان است.

من می خواهم به بیش از ۲۰۰ هزار قربانی این ویروس که فوت شده اند، احترام بگذارم. کارگران جان از دست داده ای که ثروت این دنیا را به وجود آوردند. کارگرانی که این سیستم از آنها شکست خورده است.

ما از این فرصت استفاده می کنیم تا با سندیکاها در سرتاسر جهان همکاری کنیم. از سلامت و ایمنی اعضای خود دفاع کنیم. این اولویت شماره یک ما است. هیچکس نباید هنگام کار صدمه ببیند. اگر تولیدی ضروری نباشد، هیچکس نباید در محل کار باشد و اقدامات بهداشتی و پیشگیرانه باید انجام شود. برای کارگران کلیه تجهیزات حفاظتی جمعی و انفرادی با تدابیر حفاظتی برای سلامتی شان و ایمنی باید اعمال شود. کارگران باید در این بحران به پوشش کافی بهداشتی دسترسی داشته باشند.

شرکت های بزرگ در روند تأمین حقوق اساسی کار، باید متعهد به حفظ شغل و درآمد نیروی کار باشند. اینها باید شرایط اساسی باشد تا بتوانیم هرچه سریعتر از این بحران خارج شویم. اگر کارگران درآمدی نداشته باشند نمی توانند چرخه اقتصاد را به پیش ببرند. ما باید از سازمانهای چند جانبه مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تقاضا کنیم منابع برای نجات کارگران فراهم شود و نه بانک ها و شرکتهای بزرگ.

پول باید برای حمایت اجتماعی در سطح جهان فراهم شود. کشورهای گروه جی ۲۰ پنج تریلیون دلار را به عنوان بسته های محرک اعلام کردند. این پول باید درآمد و شغل را تضمین کند تا ما بتوانیم اقتصاد سالم داشته باشیم و هرچه سریع تر بهبود پیدا کنیم.

در این لحظه حساس پیام من به کارگران همبستگی جهانی است. فاصله جسمی به معنای دور بودن از یکدیگر نیست: ما باید همبستگی خود را حفظ کنیم.

پرچم اول ماه مه همچنان در اهتزاز است!

بیش از ۱۳۰ سال از جنبش ۸ ساعت کار و اعتصاب زنان و مردان کارگر در شیکاگو آمریکا می‌گذرد و طبقه کارگر جهانی هنوز در پی تثبیت ۸ ساعت کار و دستمزدی متناسب با آن است. ۱۰۰ سال پیش نیز در ایران نخستین جشن روز کارگر توسط کارگران عضو حزب سوسیال دمکرات ارمنی بر پا گردید. آن کارگران هیچ ذهنیتی از امروز ما نداشتند اما ایمان داشتند که ۸ ساعت کار و مزدی متناسب با آن شدنی است.

امروز پس از یکصد سال هنوز هم بهداشت، آموزش، مسکن و دستمزدی در خور شان زحمتکشان محقق نگردیده است. زحمتکشان ایران امسال با دو رویکرد جدید از سوی دولت مواجه شدند: ۱- تصویب دستمزدی نصف نرخ تورم ۲- فروش اندوخته هایش در تامین اجتماعی، تا مسجل شود که وزارت کار شعبه ای از دکان کارفرمایان ایرانی است.

آنچه که از ثروت رانتخوران باید به خزانه دولت برود، از جیب خالی زحمتکشان به بهای گرسنگی بیشتر مهیا شد. اگر در سال ۹۷ دستمزدی ۲۳۲ دلاری داشتیم، با شعبده آزاد سازی دلار در سال ۹۸ به ۱۳۴ دلار رسید و امسال هم به کمتر از ۱۰۰ دلار رسیده است.

کنشگران کارگری و مدنی در زندان و یا با حبس های سنگین در بیرون، شرکت کنندگان جشن اول ماه مه سال ۹۸ همچنان زیر تیغ سنگین حبس های طولانی مدت، فشار بر وکلای طرفدار جنبش سندیکایی روزافزون، سندیکاهای کارگری در محدودیتی خرد کننده. این نمایی از وضعیت ماست. در این بین کارگرانی که برای چانه زنی برای دستمزد رفته بودند امسال مقهور سیاست های کشنده وزارت کار نشده و در یک اقدام بی سابقه از امضای سند مرگ خانواده های کارگری امتناع کرده و دست به شکایتی نامعلوم زدند.

چارچوبی که کارفرمایان به نام سه جانبه گرایی و برای نمایش بزرگ کرده بودند، چهره زشت خود را نمایان ساخت.

کرونا، ستمی دیگر از این چارچوب های سرمایه سالاران، نه تنها ایران بلکه کل کارگران جهان را مورد هجوم قرار داد. بازنشستگان، معلولین، بی خانمان ها و کودکان کار اولین طعمه کرونا‌ی نئولیبرالیستی هستند.

فقری کشنده در راه می باشد که بسیاری از قشرهای کشور را مورد تهدید قرار داده است. ما از دولت می خواهیم برای جبران کسری بودجه خود دست در جیب ما نکنند و راهکارهای زیر را پیش بگیرد:

۱- سیستم دریافت مالیات از ثروتمندان، شرکت های بزرگ و کوچک، بنیادهای رنگارنگ راهرچه زودتر فعال و بطور جدی اعمال کند.

۲- آموزش و درمان برطبق قانون اساسی باید رایگان باشد.

۳- تهیه مسکن ارزان با تمهیدات اقساط بسیار نازل برای راحت شدن از اجاره نشینی کارگران طبق قانون اساسی اجرایی گردد.

۴- پرداخت یارانه ای به روز برای همه یارانه بگیران.

۵- مجازات شرکت ها و نهادهایی که حقوق کارگران را عقب بیندازند.

۶- رایگان کردن ضد عفونی کننده ها و ماسک در سراسر ایران.

۷- دستان قماربازان و سفته بازان بازار بورس از تامین اجتماعی کوتاه شده و شستا با مدیریت کارگری به جای اول باز گردد.

۸- فعال کردن تعاونی های کارگری و شبکه امکان برای مبارزه با گرانی.

با توجه به اینکه در بند اول راهکار تامین بودجه را نشان دادیم، باید کارگران از دستمزدی متناسب با زندگی آبرومند، برخوردار شوند.

خواهران و برادران زحمتکش!

نان و جان خانواده ها و آینده فرزندانمان بازیچه برنامه های ضدکارگری شده است برای قطع این زنجیر اسارت بار چاره ای جز اعتراض و اتحاد نداریم و دست اتحاد به سوی همه کوشندگان کارگری دراز می کنیم.

زنده باد همبستگی کارگری

زنده باد زندگی و مبارزه

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

❖ نقطه تضاد نئولیبرالیسم با حقوق بشر، در حوزه اقتصادی- اجتماعی می باشد. نئولیبرالیسم بنا به تعریف و ادعای اندیشمندان و نظریه پردازانش، حقوق اقتصادی- اجتماعی بشر را به عنوان حق های بشری قبول ندارند.

* حقوق بشر برای همه- تالیف زنده یاد دکتر فرشید هکی *



«سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حمایت کامل خود را از این اعلامیه اعلام کرده و دست همه تشکل‌ها را برای همبستگی بیشتر می‌فشارد. پرچم همبستگی اول ماه مه همچنان در اهتزاز است!»

● گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر و دوازدهم اردیبهشت روز معلم

امسال در حالی به استقبال روز همبستگی جهانی کارگر و روز معلم می‌رویم که شرایط معیشتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر حقوق‌بگیران و نیروی کار نسبت به سال گذشته بسیار سخت‌تر و بحرانی‌تر شده است. پیامدهای ویرانگر و خانمان‌برانداز سیاست‌های چند دهه دولت‌ها؛ تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و تعطیلی واحدهای تولیدی و خدماتی، خصوصی کردن بیش‌ازپیش آموزش و بهداشت عمومی هرروز بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد. سیاست‌هایی که فراتر از دولت‌ها، سیاست کل حاکمیت است و جناح‌های سیاسی بر روی آن اتفاق نظر دارند.

در این میان سقوط بی‌پایان ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی، افزایش دوپست درصدی قیمت بنزین و تورم رسمی چهل و یک درصدی موجب کاهش شدید قدرت خرید مزدبگیران شد. در کنار این سیاست‌ها دولت در همراهی کامل با صاحبان سرمایه که اکثر آنان از رانت وفاداری به سیستم برخوردارند، با افزایش ۲۱ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۹۹، نه‌تنها چهره‌نمایشی سه‌جانبه‌گرایی را از قبل آشکارتر نمود؛ بلکه نشان داد که می‌خواهد وضعیت معیشت حقوق‌بگیران را از قبل سخت‌تر و سفره‌هایشان را خالی‌تر نماید.

اول ماه مه و روز معلم، یادآور این است که کارگران، معلمان و دیگر حقوق‌بگیران باید در جهان و ایران متحدتر شوند و برای سازمان‌دهی خودشان بیشتر از گذشته تلاش نمایند. چراکه سیستم مبتنی بر سود و سرمایه با ثروت‌اندوزی برای یک درصدی‌ها و استثمار اکثریت کارگران و حقوق‌بگیران برای سود بیشتر، نشان داده که حتی در شرایط بحران‌های بهداشتی همچون کرونا نیز قادر به مراقبت از شهروندان نیست.

هرچند امسال شرایط تجمع و برگزاری مراسم جشن روز جهانی کارگر و معلم به علت شیوع ویروس کرونا فراهم نیست، اما فراموش نمی‌کنیم که ما در ایران همه‌ساله به خاطر برگزاری روز جهانی کارگر و روز ملی معلم، توسط عوامل امنیتی سرکوب و بازداشت می‌شویم و حتی اجازه برگزاری مراسمی مربوط به خودمان را نداریم. در سال گذشته ده‌ها تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، تعدادی از فعالان کارگری، بازنشسته، دانشجویی و صنفی فقط به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه و ده‌ها تن از معلمان عضو تشکلهای صنفی در سراسر ایران به خاطر شرکت در مراسم روز معلم بازداشت، توبیخ و بعضاً به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شدند؛ که این محکومیت‌ها و روند سرکوب همچنان ادامه دارد.

ما، تشکلهای صنفی، مدنی اعم از معلمی یا کارگری به‌عنوان امضاکنندگان این بیانیه اعلام می‌داریم که حق داشتن تشکیلات مستقل، تجمع، اعتراض و حق اعتصاب، سندیکایی و کانون‌های صنفی را برای همه‌ی کارگران، فرهنگیان و حقوق‌بگیران دیگر به رسمیت می‌شناسیم و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، روز ملی و روز جهانی معلم، روز دانشجو و روز جهانی زن را از حقوق مسلم خود میدانیم.

ما خواستار آزادی تمامی کارگران، معلمان، دانشجویان و همه فعالان مدنی و سیاسی دریند هستیم و از مقامات قضایی و امنیتی می‌خواهیم که به سرکوب‌ها پایان دهند و منع تعقیب تمامی بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر سال ۹۸ و فعالان صنفی معلمان را صادر نمایند.

ما خواستار حقوق برابر برای زنان و مردان در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستیم.

ما خواهان افزایش حداقل دستمزد، متناسب با تورم واقعی و هزینه‌های معیشتی واقعی خانوارهای کارگران و همسان‌سازی حقوق معلمان شاغل و بازنشسته با سایر حقوق‌بگیران هستیم.

ما معتقدیم، در حالی که خط فقر حدود هشت میلیون تومان است، تعیین حداقل دستمزد به میزان یک میلیون و هشت صد هزار تومان، بی‌توجهی آشکار به معیشت و زندگی اکثریت زحمتکشان است.

ما خواستار فراهم کردن شرایط لازم برای دستیابی تمام کودکان به آموزش رایگان، با کیفیت و عادلانه، خدمات بهداشتی رایگان و امکانات ورزشی و تفریحی مناسب هستیم.

ما خواهان لغو سیاست‌های خصوصی‌سازی، سیاست‌های ارزان‌سازی و بی‌ثبات‌سازی نیروی کار، تعدیل اقتصادی، تعطیلی کارگاه‌ها و اخراج‌های بی‌رویه، توقف خرید خدمات آموزشی و برخورداری از امنیت شغلی معلمان خرید خدمت و نیروی کارآموزی در بخش خصوصی هستیم.

ما خواستار توقف فوری کار کودکان و بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به چرخه مدرسه هستیم.

ما خواهان اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری به‌صورت کامل، به خصوص برای بازنشستگان فرهنگی و تأمین بیمه پایه فراگیر، کارآمد و رایگان برای تمام بازنشستگان هستیم.

ما ضمن قدردانی از خدمات کادر درمانی در شرایط دشوار کنونی، خواهان پرداخت همه مطالبات پرستاران و کارکنان کادر درمانی فداکار، افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار آنان و همچنین در اختیار گذاشتن تمامی امکانات ایمنی و بهداشتی برای مقابله با ویروس کرونا هستیم.

ما خواستار برخورداری همه کارگران، معلمان و به‌ویژه معلمان بازنشسته و دیگر حقوق‌بگیران از تأمین اجتماعی کارا و موثر، از جمله بیمه بیکاری کافی هستیم.

ما تمام کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و حقوق‌بگیران را به همبستگی بیشتر فرامی‌خوانیم و تنها راه احقاق حقوق پامال‌شده آنان را، گسترش و تقویت تشکل‌های مدنی مستقل و اتحاد عمل بین تشکل‌ها بر سر مطالبات اساسی و مشترک می‌دانیم.

بی‌شک مطالبات فوق در گرو برخورداری از آزادی بیان و آزادی حق تشکل‌یابی است. ما با هر نوع سرکوب آزادی به شکل آشکار و پنهان مخالف هستیم.

به امید تحقق جامعه‌ای آزاد و برابر به همراه صلح و شادی و رفاه

پیام سندیکا نشریه سندیکاهای کارگری ایران

یازدهم اردیبهشت ماه هزار و سیصد و نود و نه خورشیدی

اسامی تشکل ها صنفی فرهنگیان و تشکل های کارگری امضاء کننده بیانیه:

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

کانون صنفی معلمان اسلامشهر

کانون معلمان همدان

کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر

انجمن صنفی معلمان کردستان_ مریوان

انجمن صنفی معلمان کردستان_ سقز و زیویه

انجمن صنفی بازنشستگان کشوری

انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

اتحاد بازنشستگان

شورای بازنشستگان ایران

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

بازنشستگان فلزکار مکانیک

بازنشستگان بافنده سوزنی

بازنشستگان مستقل تامین اجتماعی فارس

اول ماه می گرامی باد!

به: کنفدراسیون سندیکایی دیسک (کنفدراسیون سندیکاهای ترقیخواه ترکیه)

و سندیکای متحد کارگران فلزکار ترکیه

اول ماه مه روز فریاد دادخواهی کارگران جهان بر شما رفقای کنفدراسیون سندیکایی دیسک (کنفدراسیون سندیکاهای ترقیخواه ترکیه) و سندیکای متحد کارگران فلزکار ترکیه شادباش گفته رزمتان را استوارتر آرزومندیم.

رفقای گرامی، جهان با چالشی نوین و بزرگ به نام کرونا روبروست که متأسفانه میهن عزیز ما و شما را نیز درنور دیده است. سرمایه داری و نئولیبرالیسم نشان داد که حتا از امکان مبارزه با این بیماری عاجز است. در حال حاضر این بیماری از دو کشور ایران و ترکیه نزدیک به ۱۰ هزار نفر قربانی گرفته است. آن هم از میان فقیران، سالمندان و به ویژه کسانی که پولی برای درمان ندارند. آنچه شما در تحقیقات تان در رابطه با شیوع بیماری در کارخانه ها و بیمار شدن کارگران، به آن اشاره کرده اید در کشور ما نیز اتفاق افتاده است.

ما ضمن احترام به مبارزات شما و آرزومندی برای تندرستی همه مردم جهان در این روز به یاد ماندنی، همبستگی خود را با مبارزات شما اعلام کرده و برای بهروزی خلق هایمان دست در دست یکدیگر ندای اتحاد سر می دهیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

اول ماه مه روز رزم جهانی طبقه کارگر گرامی باد!

طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران به رغم تاریخ پر فراز و نشیب مبارزه خود، این روزها اما یکی از سیاه‌ترین دوران تاریخی خود را تجربه می‌کند.

رقم بی‌شمارانه‌ی حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار بدون امضای نماینده‌های باصلاح کارگری دستچین شده حکومت، تنها یکی از جلوه‌های این تجربه مصیبت بار است. این در حالی است که از طرف نهادهای حکومتی، تورم، بیش از ۴۱ درصد و هزینه معاش خانواده، حدود پنج میلیون تومان اعلام شده است.

واگذاری اموال و اندوخته بین‌النسلی کارگران و بازنشستگان (شستا) به بخش خصوصی و عرضه‌ی سهام آن در قمارخانه بورس، بیکارسازی گسترده زیر سایه بحران کرونا، اصرار جنون‌آمیز بر خصوصی‌سازی‌ها، نقض آشکار ماده ۴۱ قانون کار، استمرار و رسمیت بخشیدن به قراردادهای سفید امضا، تحمیل فقر و گرانی‌های مهلک و روزافزون که تحریم‌های ضدانسانی امپریالیستی آن را ویرانگرتر نموده است، سرکوب وحشیانه اعتراضات کارگری، پرونده سازی‌های گسترده علیه فعالین کارگری و بازداشت و محبوس کردن آن‌ها، همه و همه زندگی و مبارزات کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم را سخت‌تر می‌کند.

حاکمیت، با عمل به توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سرمایه داری نئولیبرالی را بر ضد مردم زحمتکش نهادینه کرده که فساد سیستماتیک سرشت و درون‌مایه آن است.

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که سفره کارگران و بازنشستگان کشور متأثر از بحران‌های چندگانه دولت‌ساخته و فساد نهادینه شده

و ساختاری و کسری بودجه ناشی از مدیریت ناکارآمد و تحریم‌های ویرانگر و ضدانسانی امپریالیسم، تهی‌تر از قبل شده‌است.

فعالین کارگری در بندند. پرونده حامیان کارگران که در یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر در تجمع روز کارگر سال ۹۸ بازداشت شدند همچنان مفتوح و برای عده‌ای از آن‌ها احکام حبس از چند ماه تا بیش از هفت سال صادر شده است.

زندگی کارگران و زحمت‌کشان بیش از پیش در اثر سیاست‌های خشن و تعرضات افسارگسیخته به مزد و معیشت، به مخاطره افتاده است.

در شرایط بحرانی موجود و زیر سایه کرونا، کارگران، بر سر دوراهی ناگزیر، انتخاب مرگ ناشی از ابتلا به کرونا، یا مرگ از گرسنگی هستند. در چنین شرایط دوزخی، تأمین حداقل‌های زندگی، ناممکن شده است.

روز کارگر را باید به روز خروش علیه زیست ناامن و طرح مطالبات علیه، فقر، تبعیض، نقض حقوق کارگران و تهیدستان، فروپاشی عدالت اجتماعی، تاراج افسارگسیخته حقوق بنیادین طبقه کارگر در حاکمیت سرمایه‌داری نئولیبرالیستی و دولت حامی آن در کشور تبدیل کرد.

مقابله خشونت‌آمیز حکومت با مطالبات به حق زحمت‌کشان، برای کارگر تهی‌دست ایرانی وضعیت را بدتر و فاجعه‌آمیزتر کرده است. طبقه کارگر ایران چهار دهه است که برای دریافت بدیهی‌ترین حقوق خود و از جمله برگزاری روز کارگر با سرکوب از طرف حاکمیت مواجه بوده و همواره از داشتن هرگونه حق ایجاد تشکل مستقل خود محروم شده است. این درحالی است که نمایندگان سرمایه‌داری در پارلمان بخش خصوصی، (اتاق بازرگانی) در

کنار دولت کارفرمایان، هر نوع استثمار و تهاجم به حقوق کارگران را قانونی کرده و با برخورداری از مصونیت آهنین از منافع طبقاتی خود حمایت می‌کنند. کارگران به تجربه دریافته‌اند که برای برون‌رفت از این زندگی فلاکت‌بار و جهنمی در سایه نظام سرمایه‌داری و استثمار ناشی از آن برای داشتن حقوق و دستمزدی عادلانه، بیمه درمانی مناسب و کارآمد، جلوگیری از غارت منابع و اموال صندوق‌شان، کنترل اموال و دارایی‌های خود، داشتن تشکل مستقل و وادار نمودن حکومت در به رسمیت شناختن سندیکاهای کارگری و اعمال قدرت خود و حق اعتصاب و در یک کلام برای دستیابی به زیستی مناسب و انسانی و گرفتار نشدن به سرنوشت بازنشستگان امروز، راهی جز همبستگی، اتحاد و ایجاد صفی متحد و یکپارچه ندارند.

این پیام کارگران شیکاگو در اول ماه می ۱۸۸۶ است که: «در مقابل صفوف متحد کارگران، عمر سرمایه‌داری ابدی نیست.»

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران ضمن حمایت از مبارزات کارگران برای دستیابی به اهداف برابری طلبانه و آزادی خواهانه‌ی کارگران، دست اتحاد خود را به طرف همه نیروهای مترقی دراز می‌کند تا مردم آسیب دیده از حاکمیت سرمایه، راهی فراروی خود بیابند.

کارگر متحد، همه چیز کارگر متفرق هیچ چیز

برقرار باد وحدت جهانی طبقه کارگر

برقرار باد اتحاد و همبستگی زحمت‌کشان ایران علیه بیداد

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

از اعتصاب کارگران معدن ذغال سنگ کرمان حمایت می کنیم!

با عرضه سهام معادن ذغال سنگ کرمان در بورس به بهانه کوچک سازی دولت و خصوصی سازی این معادن، معیشت و شغل ۳۰۰۰ کارگر معدن در ابهام قرار گرفته است. واگذاری سهام شرکت به بخش خصوصی آن هم در این شرایطی که همگان چه در حاکمیت و چه کارگران بر تولید توافق نظر دارند، جز بیکاری و توقف روند تولید حاصلی در پی ندارد. خواسته های به حق کارگران چنین است:

- ۱- تبدیل وضعیت قرارداد کارگران از انجام کار معین به قرارداد دائم
 - ۲- پرداخت حق بیمه و تامین حقوق فروردین ماه ۱۳۹۹ کارگران به علت بیماری کرونا
 - ۳- اجرای کامل و بدون نقص طرح طبقه بندی مشاغل
 - ۴- ضریب شغلی بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور بر اساس قانون استخدامی فولاد در دهه ۶۰ و ۷۰ با اجرای سابقه ۱۵ سال کار در معادن ذغال سنگ
 - ۵- اجرای مفاد قانون کار مخصوصا اضافه کار، اجرای ماده ۹۲ و امنیت شغلی ماده ۷ قانون و مقررات کار جمهوری اسلامی ایران
 - ۶- افزایش دستمزد ثابت اداره کار نسبت به سافر مشاغل و افزایشات سالیانه برای کارگران معدن ذغال سنگ کل استان
- همچنانکه در ۸ بهمن سال گذشته در مورد خواسته های کارگران معدن چادرملو گفتیم باز هم تکرار می کنیم: سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از حق قانونی و انسانی برادران و خواهران کارگر خود در معدن ذغال سنگ کرمان حمایت کرده و از تمام توان خود برای پیروزی آنان خواهد کوشید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲ اردیبهشت ۱۳۹۹

دستمزدی برای حداقل مردن!

جلسات فرسایشی و فرمایشی دستمزد نشان داد که دولت کاسه داغتر از آش کارفرمایان است. این جلسات نشان داد دولت و وزیرکارش برای قانون پیشیزی اهمیت قایل نیستند و نه تنها قانون اساسی را نادیده می گیرند بلکه حتی ماده ۴۱ قانون کار را نیز گستاخانه زیر پا می گذارند. با توجه به تورم ۴۵ درصدی اعلامی از سوی بانک مرکزی که زیر مجموعه ی دولت است، آنچه مبنا گرفت ۲۱ درصد برای افزایش امسال دستمزد کارگران آن هم بر پایه تورم سال ۹۸ است. این در حالی است که فقط حمل و نقل شهری ۲۵ درصد افزایش قیمت داشته و از طوفان تورم و افزایش قیمت های بی ضابطه سال جاری چیزی نمی گوئیم.

سالهاست که فرسودن خانواده های کارگری با کم توان کردن قدرت خرید زحمتکشان در دست اجراست. کافی است به نزول قدرت خرید در سه سال گذشته نظری بیاندازیم:

❖ حداقل دستمزد خالص ۹۳۰ هزار تومان در سال ۹۷ با دلار آزاد ۴۰۰۰ هزار تومانی (۲۳۲ دلار)

❖ حداقل دستمزد خالص ۱ میلیون ۱۱۴ هزار تومان در سال ۹۸ با دلار آزاد ۹۰۰۰ تومانی (۱۳۰ دلار)

❖ حداقل دستمزد خالص ۱ میلیون ۵۱۷ هزار تومان در سال ۹۹ با دلار آزاد ۱۵ هزار تومانی (۱۱۰ دلار)

این تنها بخشی از دستبرد به زندگی کارگران است. از ۲۰ فروردین اندوخته های ما در تامین اجتماعی (شستا) را در بورس به حراج گذاشته اند. تا همین تامین درمان حداقلی و سرمایه روزهای پیری ما را نیز از بین ببرند. در سال گذشته ۱۰۰۰ قلم دارو از فهرست درمان تامین اجتماعی خارج شد. ما می

پرسیم بدهی ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی در این حراج چه خواهد شد؟

در نامه دوم ما به رییس جمهوری به درستی اعلام کردیم سرمایه داری از بیماری کرونا برای خلاص شدن از دست سالمندان، بازنشستگان، بیکاران و بی خانمان ها دل به طوفان کرونا بسته است؛ حال با این دستمزد، خانواده های کارگری تنگدست را نیز به آنها می خواهد اضافه کند.

با این دستمزد چگونه بهداشت فردی خود را رعایت کنیم که شما این اقلام را سه برابر افزایش قیمت داده اید؟ چگونه در خانه بمانیم با این حداقلی که حتی نان و پنیر هم نمی شود؟ چگونه خود را به سرکار برسانیم با فاصله گذاری اجتماعی که نمی توان سوار اتوبوس و مترو شلوغ شد؟ با این دستمزد مصوب شما فاصله گذاری طبقاتی را دقیق اجرا کرده اید.

در این شرایط وظیفه ای سنگین بر دوش سندیکاهای و همه کوشندگان کارگری و دلسوزان زحمتکشان می باشد که با اتحاد خود و آگاه نمودن کارگران، زیر بار این ظلم فرا قانونی نروند و به هر شکل ممکن اعتراض خود را نسبت به این مصوبه ضد کارگری اعلام نمایند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲۲ فروردین ۱۳۹۹

اول ماه مه روز جهانی کارگر بر همه کارگران و زحمتکشان جهان مبارک باد.
به امید رهایی رنجبران عالم و به یاد قهرمانان گمنام جنبش کارگری

انترناسیونال است نجات انسانها

نامه سرگشاده به رییس جمهور آقای دکتر حسن روحانی!

با سلام، آقای دکتر روحانی نظر به رعایت موارد بهداشتی، این نامه را در فضای مجازی منتشر می‌کنیم و امید که رعایت موارد زیر، ما را از دست زدن به اقدامات دیگر باز دارد.

همچنانکه شما نیز اطلاع دارید موضوع بیماری کرونا و پیشگیری از آن به یک امر ملی و حیاتی برای مردم ایران زمین تبدیل گشته است، لذا به اطلاع شما می‌رسانیم که متأسفانه در تمامی مراکز پروژه های نفتی و گازی به ویژه در جنوب کشور اقدامات اولیه برای پیشگیری این بیماری، صورت نگرفته است. به عنوان نمونه در پایتخت کشورمان در کارخانه های خودروسازی نیز این اقدامات پیشگیرانه بصورت ناقص انجام شده است. به همین منظور از شما می‌خواهیم که اقدامات زیر را به وزارت کار، وزارت صنایع ابلاغ و وزارت بهداشت را نیز ناظر به اقدامات زیر بفرمایید:

۱- در کلیه مراکز صنعتی و تولیدی کارت زنی های چشمی نصب شود

۲- ضد عفونی نمودن کلیه بخش های مراکز تولیدی و همچنین کارگران در هنگام ورود

۳- تمامی نگهداری ها کارخانه ها و وردوی شهرک های صنعتی مجهز به تب سنج لیزری شوند تا به آسانی حرارت بدن کارگران در هنگام ورود و خروج قابل اندازه گیری باشد

۴- ماسک و دستکش یکبار مصرف برای همه کارکنان چه کارگر و چه کارمند از سوی کارفرمایان تهیه و الزام آن تاکید شود

۵- ضد عفونی کردن مرتب حمام ها، سرویس های بهداشتی در همه واحدهای تولیدی به ویژه در پروژه های نفتی و شرکت های پیمانکاری

۶- ملزم کردن افسران ایمنی و طب کار جهت نظارت های بهداشتی در همه واحدهای تولیدی

۷- کم کردن ساعات کاری کارگران جهت داشتن زمان لازم برای اقدامات پیشگیرانه بهداشتی

۸- رعایت سختگیرانه بهداشتی در رستوران های کارخانه ها

۹- الزام بازدید بازرسان وزارت کار و وزارت بهداشت از کارخانه ها ، کارگاه ها و پروژه های مختلف صنعتی، ساختمانی و ...

با توجه به اینکه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بارها به نمایندگان به اصطلاح کارگری مجلس نامه نوشته و موارد غیربهداشتی و غیرقانونی کارفرمایان را به اطلاع شان رسانده و آنان نیز با نادیده گرفتن این نامه ها به اعمال غیرانسانی کارفرمایان تاکید داشته اند، ما مجبور شده ایم در ۵ تیرماه سال جاری با نامه نگاری و در ۱۰ تیرماه دیدار با مسوولان شرکت نفت و گاز پارس (POGC) موارد غیرقانونی و غیرانسانی و غیربهداشتی شرکت های زیر مجموعه اشان را متذکر گردیم. همچنین دوبار نامه ای به مدیران منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ارسال کرده و موارد غیربهداشتی و موارد غیرقانونی که کارفرمایان زیر مجموعه این منطقه با ذکر شرکت و موارد خلافی که انجام می گردد، اعلام نموده ایم اما گوش شنوایی نبوده است. برای اطلاع از این امور خلاف می توانید به نامه های ما و سایت سندیکا رجوع کنید. نظر به اینکه عدم رعایت موارد بهداشتی گفته شده در متن این نامه بازی با زندگی و جان خانواده های کارگری است به شما به عنوان عالیرتبه ترین مقام قانونی اعلام می کنیم هرگونه خسارت جانی به کارگران در صورت عدم رعایت نکات بالا را در دادگاهها علیه وزارت کار، صنایع و بهداشت پیگیری خواهیم نمود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۰ اسفند ۱۳۹۸

دومین نامه سرگشاده به ریاست جمهور آقای دکتر روحانی!

احتراما، به دلیل رعایت موارد بهداشتی این نامه را سرگشاده منتشر می کنیم.

با توجه به روند رو به رشد بیماری کرونا در کشورمان پس از تقریباً پنجاه روز که از شیوع این بیماری می گذرد؛ همچنان شاهد آن هستیم که این اپیدمی هنوز کنترل نشده و امیدی هم به سیر نزولی شدن آن مشاهده نمی گردد.

متأسفانه روزهای طلایی نوروز که بهترین موقعیت برای مقابله ی موثر و کنترل و مهار بیماری، از طریق قرنطینه کردن تمام کشور از درب خانه ها بود، را از دست دادیم. مماسات با این بیماری نه تنها هزینه ی بسیاری به لحاظ انسانی و اقتصادی برای کشور در بر خواهد داشت، بلکه باعث از دست رفتن زمان و گسترش هرچه بیشتر این بیماری و بردن جامعه به سوی فاجعه ای مشابه آنچه که در ایتالیا و اسپانیا رخ داده است، خواهد شد.

آقای دکتر روحانی، نشستن در خانه و اجرای قرنطینه، به لوازم و امکانات و تدابیری احتیاج دارد که وظیفه دولت است تا آن را مهیا و تامین کند. بیمه بیکاری دوران کرونا اعلام شده توسط وزارت کار، رانندگان و کارگران ساختمانی را در بر نمی گیرد. دستفروشان و بسیاری از بیکاران و کسانی که دارای مشاغل حاشیه ای هستند را پوشش نمی دهد. نمی توان خانه نشینی را تبلیغ کرد اما فقرا را در نظر نداشت و مردم را با مشکلاتشان تنها گذاشت. خانوارهای زیادی هستند که شغل و درآمد ماهیانه ی ثابتی ندارند.

آقای دکتر روحانی، برای نابودی قطعی این بیماری باید قاطعانه و به صورت علمی و عملی وارد این موضوع شد. نمی توان کارگر ذوب آهن را به سرکار فرستاد اما دستکش و لوازم ضد عفونی را در اختیارشان قرار نداد. در حال حاضر کارگران پروژه ای حتی حقوق عقب افتاده چند ماهه و عیدی و دیگر مزایایشان را دریافت نکرده اند. چه کسی باید به این امور رسیدگی کند؟! در همین تهران، رانندگان اتوبوس شرکت واحد از ابتدای شیوع بیماری کرونا تاکنون از سوی کارفرمایان ماسک و دستکش نگرفته اند؟

قبل از شیوع بیماری کرونا، دستکش لاتکس بسته ای ۳۵ هزار تومان در داروخانه ها توزیع می شد اکنون ۱۰۰ هزار تومان شده است، یعنی افزایش ۳ برابری یافته، ماسک ۵۰۰ تومانی امروز در داروخانه ها با قیمت ۴۵۰۰ تومان عرضه می شود یعنی ۹ برابر، الکل لیتری ۶۰ هزار تومانی اکنون ۱۰۰ هزار تومان به فروش می رسد. از بازار سیاه هیچ نمی گوئیم.

طبقه کارگر و فقرا و اقشار آسیب پذیر و کم درآمد، نمی توانند این اقلام را در سبد خرید خود قرار بدهند، چرا که به همت شما و دولت های پیشین هر روز فقیرتر شده ایم و قدرت خریدمان کاهش یافته است. اگر در ابتدای سال ۹۷ طبق مصوبه ی وزارت کار ۲۳۲ دلار دستمزدمان بود در سال گذشته به ۱۳۰ دلار رسید؛ بعد شما انتظار دارید مردم مرتب دستهایشان را بشویند و در خانه مانده تا بیماری مهار شود؟

امروز کرونا نه تنها کارتن خواب ها و تن فروشان و دست فروشان را با خود می برد، بلکه مراکز نگهداری سالمندان و زندانیان را نیز آلوده کرده و نگرانی ها را افزون نموده است.

در کشورهای دنیا از چین گرفته تا انگلیس دولت ها به کمک کارگران و کارمندان و مردم فقیر آمده اند. در انگلیس دولت بوریس جانسون ۸۰ درصد حقوق کارگران و کارمندان را تقبل کرده تا آنان را وادار به خانه نشینی کنند تا مشاغل کوچک ضربه نخورد.

ما از شما می خواهیم تا دیر نشده رویکرد دولت به سمت قرنطینه کامل یا شهر به شهر به مدت ۳۰ روز برده شود تا در زمان و هزینه کمتر انسانی این بلا از سر مردم درمند ما کم شود. لذا بدینوسیله از شما می خواهیم:

۱- همه فقرا و زحمتکشانی که منبع درآمدی ندارند بدون هیچ شرطی تا ۳ ماه آینده زیر پوشش بیمه بیکاری قرار گیرند. ۲- تمامی حقوق های عقب افتاده در سراسر کشور پرداخت شده و به روز گردد. ۳- لوازم بهداشتی از جمله ماسک، دستکش، الکل و مواد ضدعفونی کننده، بطور رایگان در اختیار همه

قرار گیرد. ۴- ضد عفونی معابر و محلات تا درب خانه ها بطور جدی و بدون وقفه، توسط افراد آموزش دیده، انجام پذیرد. ۵- بی خانمان ها در گرمخانه ها و مساجد متمرکز شده تا از اشاعه بیماری جلوگیری شود. ۶- مراکز تولیدی، صنفی و ادارات توسط اداره بهداشت بازرسی های بهداشتی دقیق و جامع بشوند تا کم کاری صورت نگیرد. ۷- همه زندانیان آزاد شوند. می توان با دستبندهای الکترونیکی آنان را کنترل نمود. ۸- پرستاران و کادر درمانی بیشتری به کار گرفته شود تا جان این قهرمانان وطن به دلیل کار شبانه روزی به خطر نیفتد و تلفات کادر درمانی متوقف شود. مراکز درمانی هنوز هم به ۱۰ هزار کادر درمانی دیگر نیازمندند. می توان با دعوت از همه بازنشسته های این رشته کادر درمان را یاری داد. ۹- حقوق کادرهای درمانی و کارگرانی که در کارخانه های بهداشتی به سختی کار می کنند، نه تنها هیچگونه عقب افتادگی نداشته باشد بلکه با پاداش های مناسب و در خور، گوشه کوچکی از این فداکاری ها جبران شود. ۱۰- مبارزه بی امان با بازار سیاه صورت گرفته و سوداگران در دادگاههای علنی دادگاهی شوند. همچنین هرگونه افزایش قیمت کالاها باید متوقف گردد و این میسر نیست جز از طریق بازرسی جدی توسط بازرسان پاک دست و جدی گرفتن از سوی دولت. ۱۱- افزایش بی سابقه زباله های پلاستیکی و نایلکس خطرات زیست محیطی در آینده در بر خواهند داشت. از هم اکنون باید تدابیر جدی زیست محیطی از سوی مدیران شهری اتخاذ گردد تا در آینده موجب خسران نشویم.

ما می دانیم سرمایه داری برای خلاص شدن از مواردی که برایش هزینه دارد همچون سالمندان، کارتن خواب ها، فقرا، زندانیان به توفان کرونا دل بسته است. اجازه ندهیم جان مردم ایران را سودورزی و پول به خطر اندازد.

فرزندان قهرمانان ما را می ستاییم و این قهرمانی در تاریخ ماندگار خواهد شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۰ فروردین ۱۳۹۹

از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به کنفدراسیون جهانی اینداستریال



به خواهران و برادرانمان در سندیکاهای کارگری جهان

همانطوری که مطلع هستید کشور ما ایران، سالهاست مورد تحریم های اقتصادی و بانکی دولت های کشورهای سرمایه داری پیشرفته بوده است. شورش بختانه این تحریم ها، اکنون مدتی است که شامل غذا و دارو نیز شده است، که جنگی است خاموش علیه زحمتکشان کشورمان. در حال حاضر کشور تحریم شده ی ما، درگیر مبارزه با بیماری کروناست. به دلیل تحریم ها و جو ایجاد شده در این رابطه توسط دولت ایالات متحده آمریکا راه ورود داروهای مورد نیاز بر روی کشور ما بسته شده است، به همین دلیل عمده کمکهای جنسی و نقدی جهانیان راهی برای ورود به کشورمان را ندارد البته لازم است اشاره شود که هفته پیش دولت های سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان با انتشار بیانیه ای مشترک ضمن همبستگی اعلام کردند که کمک های مشخص و محدود دارویی و مالی در رابطه با اقلام مورد نیاز برای مقابله با گسترش ویروس کرونا در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار خواهند داد.

لازم است شما را در جریان بگذاریم که اکنون کشور ما به دلیل کمبود مواد پاک کننده، ضد عفونی کننده و یا مواد اصلی این کالا و همچنین دستکش، ماسک های مخصوص و حتا ماسک های معمولی برای استفاده مردم بسیار کم و به همین خاطر در معرض سرایت این بیماری به خود و خانواده شان می باشد. از شما تقاضا داریم به هر وسیله ای که در اختیار دارید نسبت به این تحریم ها واکنش نشان داده و از هر گونه کمک به مردم بلا زده ما دریغ نفرمایید

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اسفند ۱۳۹۸

نامه به مدیران عامل شرکت نفت و گاز پارس و منطقه اقتصادی انرژی پارس

با توجه به شیوع بیماری کرونا و عدم رعایت صحیح بهداشت در پروژه ها از سوی شرکت ها و پیمانکاران و رفتن کارگران از پروژه ها، نامه های زیر برای مدیران عامل شرکت نفت و گاز پارس و منطقه اقتصادی انرژی پارس توسط ایمیل فرستاده شد که تا امروز ۲۰ اسفند از سوی مدیرعامل منطقه اقتصادی انرژی پارس پاسخی دریافت نشد و ایمیل شرکت نفت و گاز هم به دلایلی که در تصویر خواهد آمد اعلام وصول نشد. ما کماکان برای احقاق حق کارگران پیگیر موضوع خواهیم بود.

حضور مدیریت محترم منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

آقای سید پیروز موسوی

احتراما، به دلیل رعایت نکات بهداشتی این نامه را بصورت ایمیل برای شما می فرستیم.

با توجه به نگرانی از شیوع بیماری کرونا در پروژه های زیر مجموعه شما و همچنین عدم رعایت نکات بهداشتی از سوی شرکت ها و پیمانکاران از شما تقاضا داریم به موجب ماده ۳۰ قانون کار (حوادث غیرمترقبه) از شرکت های زیرمجموعه خود بخواهید از ۱۷ اسفند جهت رعایت حال کارگران و بهداشت آنان کارگران را مرخص نموده و روزهای باقی مانده را به کارگران مرخصی با حقوق بدهند. توجه جنابعالی را به دستور دولت برای رعایت بهداشت به دوایر دولتی جهت کاهش ساعات کاری به نصف جلب کرده و دستور شما برای تقاضای بالا می تواند مصداق عینی برای کارگران داشته باشد. همچنین کارگرانی که به دلیل نابسامانی در امر بهداشت پروژه های خود را ترک کرده اند از ۱۰ اسفند نیز مشمول ماده ۳۰ قرار بگیرند. با سپاس منتظر اطلاع رسانی شما هستیم.



مسئول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران مازیارگیلانی نژاد ساعت ۲

بعدازظهر ۱۷ اسفند ۱۳۹۸

غم زمانه خورم یا فراغ یار کشم / به طاقی که ندارم کدام بار کشم!



دکتر فریبرز رییس دانا درگذشت. خبر کوتاه، اما عمق فاجعه بسیار زیاد است.

طبقه ی کارگر و محرومان ایران یکی از یاران با ارزش، دلسوز و فعال خود را از دست داد. روشنفکران و اهالی ادب و فرهنگ ایران نیز یکی از تأثیرگذاران فعال خود را دیگر در کنار خود ندارند.

فریبرز رییس دانا متولد ۱۳۲۷ در محله خانی آباد تهران یکی از جنوبی ترین محله های کارگری آن زمان بود. از استادان اقتصاد دانشگاه تهران که تحصیلاتش را در سطح دکترای رشته « اقتصاد و علوم سیاسی » در دانشگاه اقتصاد لندن گذرانده ولی هیچگاه خاستگاه خود و آرمان های کارگری را که در این محله آموخته بود، از یاد نبرد. اقتصاددانی طرفدار مردم زحمتکش که علاوه بر فعالیت تخصصی در زمینه پژوهش و تدریس در رشته ی اقتصاد، به فعالیت های سیاسی، اجتماعی و مطبوعاتی نیز می پرداخت و به همین دلیل بارها گرفتار زندان شد. مهمترین دغدغه ایشان حوزه ی دموکراسی، سوسیالیسم و عدالت اجتماعی (برابری) بود.

او دیگر نیست اما چه باک آنقدر یادگار از خود بر جای گذاشته که او را نامیرا نموده است و آیندگان نیز از او درس شهامت، راستگویی و صراحت لهجه و پایداری بر روی آرمان های کارگری را خواهند آموخت.

درگذشت این رفیق و مدافع منافع کارگران و همسنگر روشنفکران و ادب دوستان زنده یاد فریبرز رییس دانا را به کارگران و محرومان و به ویژه رفقای ما در کانون نویسندگان ایران تسلیت باد.

تو بهار را نوید دادی و باور داشتی که خواهد آمد. فقدانی وجود ندارد. دکتر فریبرز رییس دانا در زمان جاری ست... شجاعت و شهامت و فروتنی را از او خواهیم آموخت.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۶ اسفند ۱۳۹۸

به یاد بیکاران کشورم

گرسنگی قیمت ها رابه من یاد داد، فکر نان تازه مرا کاملا از خود بی خود می کرد، و من غروب ها ساعت های متمادی بی هدف در شهر پرسه می زدم و به هیچ چیز دیگر فکر نمی کردم به جز نان. چشم هایم می سوخت، زانوهایم از ضعف خم می شد و حس می کردم چیزی مثل گرگ درنده در وجودم هست. نان. من مثل آدمی مرفینی، معتاد به نان بودم... (هاینریش بل)

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



فداکاری کارگران، سکوت از سوی مدیریت ذوب آهن!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

فداکاری کارگران، سکوت از سوی مدیریت ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بخشی از کارگران ذوب آهن به ویژه در بخش های کوره ها و تعمیرات، در ایام تعطیلی ذوب آهن مجبور به کار و اضافه کارهای سنگین شدند اما مدیریت ذوب آهن این فداکاری را نادیده گرفته است. کارگران در نامه ای به مدیریت چنین خواسته اند:

«ارایه راهکاری جهت جبران اضافه حضور کارکنان شیفت نسبت به روزکار برای بالا بردن انگیزه و افزایش بهره وری.»

مدیریت ذوب آهن همچنان سکوت فرموده اند. این درحالی است که ذوب آهن فقط در بخش صادرات رشدی ۲۸ درصدی داشته و بی پول نیست. اما کارگران برایش در اولویت قرار ندارد.

کاریکاتوری به نام مبارزه با کرونا در ذوب آهن!

به این ارقام توجه کنید: مدیریت بهداشت ذوب آهن اعلام کرده است ۸۵ هزار ماسک در اسفندماه و در سال جاری ۱۰۰ هزار ماسک در میان کارگران ذوب آهنی توزیع خواهد شد (۲۴ فروردین)

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تعداد شاغلین و مرتبطین با ذوب آهن بیش از ۱۵ هزار نفر است، یعنی ذوب آهن در بهترین حالت فقط ۷ روز ماسک از زمان شیوع کرونا توانسته است تامین کند. بعد به کارگران و کارکنان خود چنین توصیه کرده است: «با توجه به کمک هزینه تامین اقلام بهداشتی جهت کارکنان محترم شیفت کارکنان مربوطه نسبت به استفاده از ماسک های موجود تا ورود ماسک های خریداری شده و کارکنان روزکار نیز از طریق مدیریت بخش خود جهت تامین ماسک از مدیریت سفارشات اقدام نمایند»

یعنی ماسک یک بار مصرف را همچنان تا مدتها استفاه کنید. پیشگیری از این بهتر نمی شود!!!!.

بهانه هایی برای اخراج!

مطلع شدیم مدیرعامل کارخانه پارلو ساوه تولید کننده ساندویچ پنل برای کانکس های پیش ساخته و ورق های گالوانیزه رنگی، به دلیل گم شدن یک لب تاب ۲۵ کارگر خود را اخراج نموده است.

این کارخانه ۲۰۰ کارگر داشته و در حال حاضر با ۱۰۰ کارگر به کار ادامه می دهد، که به دلیل نبود مواد اولیه و مشکلات مالی در سال گذشته طلبکارها می خواستند اموال کارخانه را مصادره کنند. متأسفانه در روزهای اخیر شاهد اخراج کارگران از واحدهای صنعتی مختلف ساوه مانند شرکت پارلو و روناک دارو و... بوده ایم.

اخراج کارگران با سابقه این کارخانه آن هم به دلیلی واهی نه تنها خانواده های این کارگران را با معضل معیشت روبرو نموده بلکه اتهامی که فقط برآزنده مدیرعامل شرکت است نیز به آنان زده شده است. حال چگونه مدیرعاملی به خود اجازه می دهد با امنیت روحی و روانی و حیثیتی این خانواده ها بازی کند؟ این دست پختی است که وزارت کار و خانه کارگری ها باید پاسخگوی آن باشند.

البته اطلاع یافته ایم که مدیریت تلاش دارد به جای این کارگران با سابقه دست به استخدام نیروی جدید بزند تا هم قانون کار را لگدمال کرده و هم رعب و وحشتی در میان کارگران ایجاد کند. اگر این دزدی واقعیت داشت چرا جناب مهندس به پلیس مراجعه نموده است؟

بی تردید سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از هیچ کوششی برای کمک به این برادران خود دریغ نخواهد کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

خبری از کارخانه بشکه سازی چلیک صنعت ساوه!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، برخلاف بسیاری از کارخانه هایی که در ساوه کار می کنند قرارداد کارگران این کارخانه تغییر خاصی نکرده و کما فی السابق سالیانه تمدید شده است. همچنین با وجود عواملی چون اپیدمی کرونا در جهان و افت شدید اقتصاد جهانی که اقتصاد ایران از آن مستثنا نیست، مسئولین و مدیران شرکت چلیک صنعت بر باور خود یعنی عدم ایجاد فشار روانی بر پرسنل خود ثابت قدم بوده اند و این فشار را تحمل کرده تا با وجدانی آرام از این بحران عبور نمایند.

در مورد وضعیت رعایت بهداشت در کارخانه، خوشبختانه با پیگیری مدیران و مسئولین از اولین روزهای شیوع کرونا در ایران، مواد ضد عفونی تهیه و در اختیار پرسنل قرار داده شد همچنین ماسک های پزشکی و n95 و ffp2 موجود در انبار نیز جهت مصرف روزانه در اختیار پرسنل قرار گرفته شد. شایان ذکر است محیط کارخانه و سالن تولید و غذا خوری و رختکن و سرویس های بهداشتی روزانه در چند نوبت توسط فرد آموزش دیده ضد عفونی می شود علاوه بر موارد فوق سرویس ایاب و ذهاب هم قبل از سوار شدن پرسنل ضد عفونی می گردد

در مورد دستمزد مصوب سال ۹۹ کارگران از مقدار افزایش حقوق خود راضی نبوده و نمایندگان کارگری در شورای عالی دستمزد را افرادی نالایق که قادر به دفاع از حقوق کارگر نیستند، می دانند

ایران خودرو و کار در روزهای کرونایی!



ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به مرگ ناشی از بیماری کرونا که جان تعدادی از کارگران ایران خودرویی را گرفت و مدیریت کارخانه بسیار دیر هنگام در سال گذشته مبادرت به تعطیلی کارخانه نمود و این امر باعث اعتراض کارگران به نحوه مدیریت بحران کرونا در ایران خودرو گردید و همچنین نبود وضعیت مناسب برای حضور کارگران در کارخانه مدیریت ناگزیر به صدور اطلاعیه هایی گردید :

به اطلاع همکاران عزیز می رساند که هفته بعد، از روز شنبه ۱۶ فروردین فعالیتهای تولیدی تا اطلاع ثانوی تعطیل می باشد و عزیزی که فعالیت های تعمیراتی و اتوماسیونی و مشاغل مشابه دارند در صورت نیاز فراخوان خواهند شد.

تنها همکارانی که برای آن ها پیامک حضور در محل کار ارسال شده شنبه ۱۶ فروردین در شرکت ایران خودرو حضور پیدا می کنند و مابقی همکاران به صورت چرخشی در قرنطینه خانگی و یا دور کاری همکاری خواهند کرد. همانند اسفند ماه سال گذشته مادران دارای فرزند زیر ۱۶ سال، افراد دارای بیماری خاص و جانبازان گرامی تا پایان فروردین در قرنطینه خانگی و شرایط دور کاری خواهند بود.

ایران خودرو سه شیفته می تازد!

با آمدن کرونا و تعطیلی زود هنگام کارخانه ایران خودرو در ۲۰ اسفند تا ۲۰ فروردین، و گران شدن خودرو در بازارهای سیاه، پس از بازگشایی کارخانه مدیریت از اجرای سه شیفته کردن تولید و فشار به کارگران برای بالا بردن آمار برنامه ریزی فشرده ای کرده است. البته کارگران هستند که دیگر بازگشتی به محیط کار به دلیل سهل انگاری مدیریت ندارند و باید نامشان را در بهشت زهرا جستجو کرد.

بعد از هشدار باش هایی که پیام سندیکا به مدیریت کارخانه ایران خودرو داد که به تعطیلی هم انجامید، با دستورات جدید بهداشتی کارگران همه باید به سرکار برگردند. تدابیر بهداشتی اتخاذ شده از جمله تب سنجی، دالان های مه پاش بهداشتی، دادن ماسک و افزودن میوه و آبمیوه در هر وعده غذایی از جمله کارهای پیشگیرانه در ایران خودروست.

همچنین بنا به دستور مهندس مقیمی (مدیر عامل)، سه درصد به حداقل دستمزد اعلامی توسط وزارت کار افزوده و به کارگران پرداخت خواهد شد.

کارگران نه تنها از این دستمزد ناراضی بلکه از مدیریت توقع بیشتری برای افزایش دستمزد داشته اند. هر چند به مناسبت فرا رسیدن ماه رمضان، مبلغ ۵۳۱ هزار تومان در بن کارت کارگران شارژ خواهد شد.

متأسفانه، در این بحبوحه گرانی از راه اندازی تعاونی کارکنان ایران خودرو که مدیریتش در دست هیات مدیره کارخانه است خیری نیست که باید به مدیریت ایرانخودرو برای تعطیلی این تعاونی که کمک حال کارگران بود، آفرین گفت.

معوقة های کارکنان در بیمارستان علی ابن ابیطالب رفسنجان

بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در ارتباط با کارکنان آزمایشگاهی و پرستاری بیمارستان علی ابن ابیطالب رفسنجان (تنها بیمارستان شهر)، متأسفانه با وجود تمامی تبلیغات رسانه ای پیرامون ارج نهادن به مقام شامخ پرستار و پرسنل بیمارستانی که بی تردید در شجاعانه ترین وضعیت هم اکنون در حال جان فشانی و مبارزه با تبعات با اپیدمی کرونا هستند، مشخص شده است که قریب به ۵۰۰ نفر از این کارکنان از مهرماه سال جاری تاکنون هیچ گونه اضافه کار و کارانه و مزایایی دریافت ننموده اند.

به گزارش دریافتی، این کارکنان فقط حقوق پایه ای را که از خزانه ی دولت دریافت می داشته اند گرفته و از تمامی مواجبی که به عهده ی دانشگاه علوم پزشکی ست محروم بوده اند، آن هم قریب به ۷ ماه.

کارکنان بیمارستان، با قراردادهای دولتی که سالیانه تمدید می شود با وجود بیش از ۲۰ سال سابقه ی خدمت و از خود گذشتگی هایی که این روزها فقط به زبان مسولین بیشتر می آید، در چنین شرایطی از اولیه ترین حقوق صنفی و درآمدی مناسب محروم اند.

ظاهرن حق الزحمه ای هم که دولت برای کرونا، مشمول کارکنان بیمارستان های تامین اجتماعی می دارد و چیزی نزدیک به ۸۰ درصد پایه ی حقوق ایشان است، به کارکنان بیمارستان علی ابن ابیطالب تعلق نمی گیرد.

بماند که کمبود تجهیزات حفاظتی نظیر ماسک، کار را به جایی رسانده که هر نفر در هر شیفت فقط حق استفاده از یک ماسک را دارد آنهم در این موقعیت مبارزه با کرونا.

گزارشگر پیام سندیکا

کارفرمایان ضد انسان را افشا کنیم!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در نیروگاه ارومیه، شرکت انرژی تنشگستر با توجه به شیوع بیماری کرونا دست به حيله ای جدید زده است. حجت موسوی سرپرست شرکت پس از کرونا گرفتن یکی از مسولین و ترساندن کارگران در رابطه با بیمار شدنشان، با دادن مبلغ ۳۰۰ هزار تومان آنان را از پروژه فراری داده تا شب عید پرداختی به کارگران نداشته باشد.

این شرکت که در کلاه گذاشتن سر کارگران و کم کردن دستمزد ها و بدحسابی بسیار معروف است. برای یک فیتز برای ۲۴ روز کار اول می گوید ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان سرمایه با ۳ میلیون ۲۰۰ هزار تومان لیست را رد می کند و کارگر را در یک عمل انجام شده قرار می دهد. اگر کارگری برای اضافه کاری مانند از صبحانه و ناهار و شام خبری نیست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکسپ پروژه ای ها این شرکت را در لیست تحریم کارگری خود قرار داد.

نامه ای از کارگران پتروشیمی هگمتانه همدان



فقط صدای کارگران هست که به جایی نمی رسد و گوش شنوایی نیست که حرف کارگران را گوش بدهد.

چرا ما کارگران موقع انتخابات و رای دادن ارزشمند میشویم برای نظام و جمهوری اسلامی؟ آیا ما جز این مملکت نیستیم و نمی باشیم.

آقایان نمایندگان مجلس کجا هستید، چرا به داد کارگران نمی رسید؟

در این دوران سخت کرونا که همه از کار بیکار شده ایم و در منزل به سر میبریم، آن از تعیین حقوق برای کارگران، که فقط کارفرما را در نظر گرفتن و کمک های دولت هم که فقط نصیب ما کارگران نشده، لااقل حقوق عقب افتاده خودمان را بگویید پرداخت کنند.

ما کارگران پتروشیمی هگمتانه همدان پیمانکاری دیهیم صنعت یا همان کرامت سلحشور هنوز حقوق بهمن و اسفند سال گذشته خود را دریافت نکردیم.

قرارداد هم طوری است که عیدی و سنوات پایان سال شامل هیچکدام ما نمیشود، لااقل حقوق خودمان را پرداخت نمایید.

باتوجه به اینکه از اواسط اسفند کارگاه تعطیل شده. هیچکس جوابگوی ما نمی باشد.

فقط خواهان حق و حقوق خود میباشیم و حقوق اضافه هم نمی خواهیم

کارگران پتروشیمی هگمتانه همدان

رفقای سندیکای فلزکارمکانیک

خواستیم اگر امکانش هست این متن را منتشر کنید. سری قبل که گذاشتید به تعدادی از کارگران مقداری مساعده پرداخت نموده و قرار شد که حقوقمان را هم پرداخت نمایند اما باز خبری نشد. سپاس از شما

پروژه های نفتی در چه حالند؟

با گذشت بیش از یک ماه از تعطیلی پروژه های نفتی، کم کم کارفرماها پیدا شده و شرکت ها فعال می شوند.

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه، شرکت پتروپالایش از ۷۰۰ کارگر سال گذشته فقط ۲۵۰ کارگر را به کار گرفته است. به جز روز اول که تست کرونا از کارگران گرفته شد و آمار انگشتی همراه با الکل و ضدعفونی کردن خوابگاهها هفته ای یکبار و مایع دستشویی فراوان و بازدید فشرده افسران ایمنی و بهداشت و دادن هفته ای یک بار شیر!!!! بدون دادن لباس کار به کارگران، کار آغاز شده است. هنوز حقوق اسفند و فروردین کارگران داده نشده است. با توجه به اینکه کارگران از اواسط اسفند در پروژه ها حضور نداشتند، حقوق و بیمه کارگران در این ماه با ابهام روبروست.

خیانت در امانت

حراج گذاشتن اموال تامین اجتماعی

می دانیم که منابع تامین اجتماعی حتماً آن بخش که در تعهد دولت است امانتی است نزد دولت ، فقهی ذمه حق الناس است بر گردن دولت که خداوند از حق خود ممکن است بگذرد اما از حق الناس نمی گذرد و نماینده خدا هم روی حق الناس بودن تاکید فراوان داشته است.

آیا در حکومت اسلامی کسی نیست که بگوید چرا خیانت در امانت؟ چرا چنین دراز دستی در حق الناس موضوع؟ این است که اسلام در فقه اسلامی در دستان سران حکومت ابزاری بیش نیست و تا آنجا کاربرد دارد که شرایط سرکوب ملت را فراهم کند.

چرا دولت بابت سهم خود بیش از دویست و پنجاه هزار میلیارد تومان بدهی به تامین اجتماعی طفره می رود ؟ آیا کسری بودجه دارد که اموال تامین اجتماعی که متعلق به کارگران است به حراج گذاشته است؟ آیا از سیاست امپریالیسم و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی پیروی میکند ؟

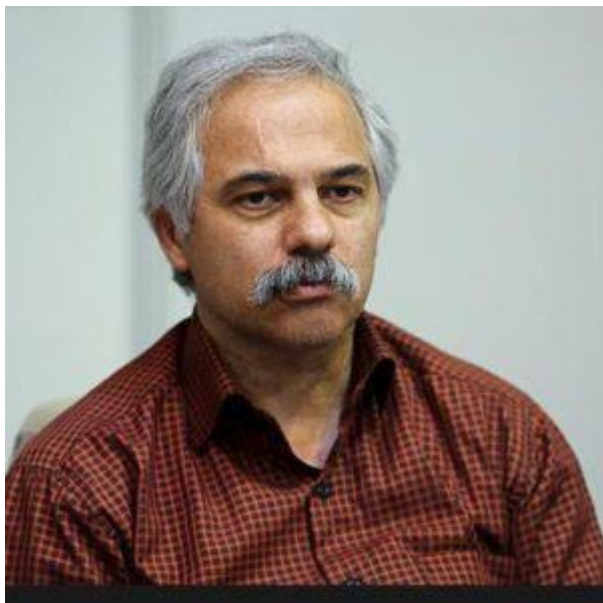
ما از تمام کارگران آگاه و مبارز و سندیکاهای کارگری و جنبش های اجتماعی میخواهیم ضمن اعتراض مقابله با این اقدامات ایزدایی از طریق کار آگاه گرانه در میان کارگران و زحمتکشان خواستار بازنگری این حراج بزرگ قرن ، و لغو تمام قوانین و مصوبه های خلاف قانون شویم.

پیش به سوی احیای سندیکاها و اتحادیه های کارگری

با هدف ارتقا بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر و نابرابری.

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران فروردین ماه ۱۳۹۹

نماینده بهداشت جهانی در ایران: « از قدرت سیستم بهداشتی ایران شگفت زده شدم »



این تیتیری بود که رادیو و تلویزیون و مطبوعات مرتب آن را انتشار دادند تا مسوولین ” پز ” بهداشتی و سیاسی بدهند.

آری مسوول بهداشت جهانی از سیستم متمرکز بهداشتی در ایران بسیار تعریف کرد و آن را در خاورمیانه بی نظیر دانست. این سیستمی که ایشان را وادار به شگفتی کرده است، سیستم تامین اجتماعی و ارائه خدمات درمانی بصورت رایگان در بیمارستان های این سازمان و همچنین بیمارستان های شرکت نفت، ارتش است. او نمی داند که برای بوجود آمدن این سیستم از صد سال تا کنون هزاران کارگر کشته و فدا شدند، زندانی و در به در، بیکار و تحقیر گشته تا این سیستم اینگونه خدمات ارائه کند.

این سیستم همانی است که پرستاران، پزشکان، کارگران خدماتی اش زیر خط فقر حقوق می گیرند و تازه این حقوق ماهها به تعویق می افتد. در حال حاضر بیمارستان مدنی کرج ۴ ماه حقوق کارگران خدماتی اش عقب افتاده و سه کارگر خدماتی اش در بخش کرونایی ها بستری هستند. پزشکان متخصص ماهها و بلکه سالها مطالبتهایشان را نمی دهد اما آنها باز هم برای این سیستم کار می کنند. پرستارانی که مایه مباحثات پدران زحمتکش شان هستند ساعات کار بسیار پر فشاری را دارند. این پرستاران وظیفه ۲۰ هزار پرستاری که استخدام نشدند را عاشقانه به دوش می کشند، که در نامه خانه پرستار به رییس جمهور امروز منعکس شده است.

سیستمی که نماینده بهداشت جهانی را به شگفتی وادار کرده در همین چند ماه پیش از سوی وزیرکار دستور به فروش اموالش را صادر کرده اند تا نابود شود. این سیستم امروز با توجه به طلب ۲۵۰ هزار میلیاردی از دولت آن چنان در حد خود ارایه خدمات درمانی می کند که باید بهداشت جهانی را متعجب کند و اگر این سیستم نبود معلوم نبود تلفات کرونا تا چه میزان افزایش می یافت. بازنشستگی با ۶۰ سال سن برای مردان و ۵۵ سال برای زنان و ارایه خدمات درمانی در بیمارستان های تامین اجتماعی بصورت رایگان و خدمات درمانی به بازنشستگان در بسیاری از کشورهای منطقه مانند عراق، پاکستان، ترکیه، افغانستان، و هندوستان و حتا در کره جنوبی و ژاپن و به ویژه در آمریکا وجود ندارد.

من فکر می کنم که اگر به نماینده بهداشت جهانی گفته می شد این سیستم را به عمد دارند نابود می کنند حتمن در کله اش کلم بروکلی سبز می شد.

قدرت و فداکاری زحمتکشان همیشه مایه تعجب مسولین خواهد شد. تامین اجتماعی دستاورد مبارزات خونبار زحمتکشان ایران که نئولیبرالیسم تلاش دارد آن را نابود کند مایه مباحثات نه تنها زحمتکشان بلکه مردم ایران است. این دستاورد پدرانمان را پاسداشته و نمی گذاریم نابود شود.

مازیارگیلانی نژاد ۲۴ اسفند ۱۳۹۸

درس‌هایی که از شیوع کرونا و ویروس (کووید ۱۹) در جهان باید آموخت!



با تمام سختی تحمل غم و اندوه فراوان برای تلفات انسانی ناشی از شیوع ویروس کرونا و خساران سنگین آن بر اقتصاد جهان و هزینه‌های مالی فراوان برای خانواده‌ها، اما با این حال شرایط و موقعیتی فراهم گردیده که دانشمندان و محققان و متخصصان در حوزه‌های مختلف زندگی بشری (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رفتاری، آموزشی، بهداشتی، نظام‌های سیاسی، اقتصادی و.....) در سطح بین‌المللی، کشوری، منطقه‌ای، قومی، عشیره‌ای، مذهبی شهری و روستایی به مطالعات عمیق دست بزنند و به جمع‌بندی‌هایی برسند. این جمع‌بندی‌ها در تمام زمینه‌های زندگی بشری ممکن است به نگرش‌های نویی بیانجامد که لازم باشد جامعه بشری و طبقات مختلف اجتماعی در ذهنیت‌ها و باورها و رفتارهای خود تغییرات مهمی به وجود آورند. قطع این اتفاق هم خواهد افتاد و حاصل تحقیقات مختلف در قالب نیاز به اقدام در زمانهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در اختیار مردم جهان قرار خواهد گرفت. شک نباید داشت که طبقات مختلف اجتماعی در سطح جهان منتظر نظر متخصصان و نظریه‌پردازان نخواهند ماند اگر دیر بجنبند، برداشتهای کلی خود را خواهند داشت و ممکن است براساس این برداشت‌ها دست به اقدامات عملی هم بزنند.

کرونا می‌آموزاند که چه نظام‌های سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی منافع عموم مردم و زندگی بشری برای آنها اهمیت دارد و کدامها به منافع شخصی و سود سرمایه و ماندن در قدرت به هر قیمت فکر می‌کنند. نظام حقوقی براساس منافع شخصی، خصوصی و فردی، یا نظام حقوقی براساس منافع جمع و اجتماع انسانی، کدامیک بیشتر در خدمت سعادت نوع بشر است.

این رفتار مردم یک روستا در کردستان ایران قابل تأمل است که مردم این روستا بر اساس چه نظام اجتماعی عمل می کنند؟ وقتی به نظام سیاسی حاکم در کشور امید اقدام به موقع ندارند و خود دست به ایجاد کمیته های مختلف برای نگرهبانی در روستا، تست تب روستاییان، رعایت فاصله اجتماعی و تأمین معاش مردم و جمع آوری کمک های مردمی برای خرید نیازهای اولیه بهداشتی و نظارت در مصرف آنها روی می آورند. البته ممکن است هیچ الگوبرداری از یک نظام خاصی در بین نباشد و ممکن هم هست باشد. چون گفته شده این اقدام با ابتکار و فعالیت بیشتر جوانان روستا اتفاق افتاده است.

به عهده ی فعالین صنفی، سندیکایی، سیاسی، اجتماعی، دانشجویی، زنان ومخالفان نظام سرمایه داری است که با قبول مسئولیت برای جامعه بشری روشن نمایند که نظامهای سرمایه داری به روی کوهی از شن برپا گشته که با هر تکانی زندگی انسانها با خطرنابودی مواجه می شود. یعنی انسانها در نظامهای سرمایه داری همیشه در لبه پرتگاه زندگی می کنند.

در بحث شیوع کرونا و شیوه ی مقابله با آن و چگونگی رسیدگی به وضعیت معیشت و بهداشت و درمان تمام طبقات و اقشار جامعه های گوناگون در سطح بین المللی، مشخص شد که ایده و آرمانی که معتقد است تنها راه نجات بشریت از جنگ، نابرابری، ظلم و زور، استثمار و بهره کشی، استعمار و تجاوز، و برخورداری تمام آحاد جامعه از نیازهای اساسی مانند شغل، مسکن، آموزش، بهداشت، رفاه، تأمین اجتماعی و آینده ای روشن همراه با حمایت همه جانبه از تمام مردم جامعه در برابر بلایای طبیعی و حوادث گوناگون همه و همه در نظامی مانند سرمایه داری ممکن نیست و بشریت باید طرحی نو در اندازد که منافع جمع و تمام انسانها به طور برابر را در برگیرد. در این زمان کوتاه شیوع کرونا به وضوح تمام مشخص شد که سوسیالیستها وقتی می گویند برای سرمایه داری به جز سود سرمایه و انباشت سرمایه، دیگر سرنوشت بشر و کره ی زمین و محیط زیست و تغییرات اقلیمی جایی در محاسبات آنها ندارد، چقدر صحیح و بی نقص می باشد. در زیر چند نمونه از اقدامات کشورهای مختلف با نظامهای مختلف در بحث کرونا و ویروس آورده می شود که نمونه هایی است از اهداف نهایی نظامهای گوناگون :

۱- در اوانل شیوع ویروس کرونا در چین وزیر امور خارجه امریکا در یک موضع گیری ضد بشری اعلام کرد که ویروس کرونا در چین می تواند به رشد بازار سهام در امریکا کمک کمک نماید. این بی شرمی محض است که مرگ و زندگی هزاران انسان در مقابل سود سهام آنها به هیچ انگاشته شود.

۲- موضع گیری فوق را با جملاتی از رهبر انقلاب کوبا فیدل کاسترو مقایسه کنید که انسانها در نظامهای سرمایه داری و سوسیالیستی چه جایگاهی دارند.

فیدل کاسترو: کشور ما تسلیحات هسته ای، شیمیایی و باکتریولوژیکی ندارد، در عوض ما پزشکان کوبایی را به سراسر جهان می فرستیم و به این فکرمی کنیم که چگونه جان انسانها را نجات دهیم.

۳- خصوصی سازی آموزش، بهداشت عمومی و درمان، عدم امنیت شغلی، فاصله ی طبقاتی و نابودی محیط زیست، همگی در جهت هرچه بیشتر کردن سود سرمایه است . اینها عواملی هستند در نظام سرمایه داری که زندگی طبقات مزدبگیر و کسبه جزء را به لبه پرتگاه می برد و با لرزه ای ممکن است به دره نابودی سقوط کنند. این سرنوشت فقط در بحث کرونا جاری نیست، بلکه در مورد حوادثی مانند زلزله، سیل، سونامی، خشکسالی، گرانی، تورم، بیکاری و..... صدق می کند و تلفات آنها همیشه از میان محرومترین اقشار جوامع سرمایه داری بوده است.

۴- درپیشرفته ترین و قدرتمندترین اقتصادجهان یعنی نظام امپریالیستی امریکا وقتی توان، امکانات و تجهیزات گوناگون این کشور را که برای نابودی دهها بار کره ی زمین کافی می باشد، با توان و امکانات و تجهیزات پزشکی آن مقایسه کنیم، معلوم می شود که اولویت اول سرمایه داری حفظ سود سرمایه می باشد یا حفظ سلامتی و آسایش انسانها؟!

امریکا در سراسرجهان پایگاه نظامی دارد و هر زمان منافع سرمایه ضرورت احساس کند دخالت نظامی می کند. اما برای زمانی مثل اکنون که ملت امریکا به شدت درگیر سرایت ویروس کرونا می باشند امکانات و تجهیزات کافی پزشکی در اختیار نیست و آنطور که مسئولین این کشور اذعان کرده اند کمکهایی از طرف کشورهایی مانند روسیه و چین برای آنها ارسال شده است.

۵- قطعن مردم بیشتری متوجه می شوند که وقتی بیشتر بودجه کشورهای با نظام سرمایه داری یا صرف رشد صنعت و تولید و پیشرفت امکانات برای سهل ترشدن تجارت و مصرف کالاهای تولیدی که سود این چرخه تولید و مصرف به جیب درصد اندکی از کل جمعیت کشورهای سرمایه داری می رود، و یا صرف هزینه های هنگفت نظامی (ساخت انواع تجهیزات و مواد گوناگون کشتارجمعی و تخریبی) برای سرکوب مردم معترض آزادخواه و برابری طلب در داخل و خارج کشور و حفاظت از تأمین سود سرمایه می گردد، دیگر آینده نگری و پیش بینی حوادثی مانند شیوع ویروس کرونا جایی در اهداف آنها ندارد.

امریکای جهانخوار برای دخالت در هر نقطه ای از کره ی زمین امکان و توان دخالت نظامی دارد، اما برای تحت پوشش تأمین درمانی و اجتماعی قراردادن بخش قابل توجهی

از اقبال کم درآمد آمریکا بودجه ای در نظر گرفته نمی شود و آنهایی هم که بیمه نیستند توان پرداخت هزینه آزمایش و درمان کرونا را ندارند باید بروند و بمیرند.

۶- اماکوبای سوسیالیستی مورد تجاوز و تحریم چندین دهه آمریکا را در نظر بگیریم، که از نظر توان مالی و اقتصادی هیچ تناسبی با ایالات متحده آمریکا ندارد. امروزه در بحث اپیدمی و ویروس کرونا، ضمن مواظبت منطقی برای حفظ سلامتی شهروندان خود، پیشقراول کمک های پزشکی و دارویی به کشورهایی می باشد که به طور وسیع درگیر مبارزه با کرونا هستند، بدون توجه به نظام سیاسی حاکم بر آن کشورها. زیرا به قول کاسترو حفظ جان انسانها مهم است. حتی خود چین که مبدأ شیوع کرونا بود چون جان انسانها برای حاکمان چین در اولویت بود، به سرعت دست به کار شدند و به فاصله ده روز دو بیمارستان ده هزار تختخوابی احداث و شهر ووهان را که مبدأ شیوع ویروس بود به شدت قرنطینه کردند، بدون این که مردم ساکن این شهر دغدغه معیشت و گذران روزانه زندگی خود داشته باشند. و مهمتر اینکه چین ضمن مراقبت از جمعیت یک میلیارد و چهار صد میلیون خود، به کشورهای دیگر نیز کمک رسانی می کند از جمله افغانستان و ایران و آمریکا. یعنی این که برای حزب کمونیست چین که قدرت در دست اوست جان انسانها اولویت دارد نه بازار بورس.

متأسفانه ملت ایران هم به علت عدم مدیریت صحیح و منسجم در جامعه و پنهان کاری و نامحرم دانستن مردم توسط حاکمان، با این که اخبار حکایت از شیوع ویروس کرونا در ایران داشت خصوصاً قم، اما مسئولان آن را شایعه دشمن می دانستند. شیوع این ویروس در ایران هم زمان بود با جشنهای حکومتی دهه فجر انقلاب اسلامی و انتخابات مجلس شورای اسلامی که میزان مشارکت مردم در آنها برای مسئولین بسیار با اهمیت است. تا این مناسبت ها تمام شد کرونا در بیشترشهرهای ایران شیوع پیدا نمود و وقتی تلفات شروع شد و دیگر قابل کتمان نبود مسئولین با اکره وجود این ویروس را در ایران پذیرفتند اما آن را با اهمیت نمی دانستند و هشدارهای مراکز دانشگاهی در امور علوم پزشکی را نادیده می گرفتند و رفت و آمد و ارتباط با چین را زمانی محدود کردند که دیگر مثرتر نبود.

رشد سریع کرناهمزمان شد با جشن نوروز ۱۳۹۹ و دولت به توصیه برای ماندن در خانه اکتفا نمود و با آن روابط شکرآبی که بین مردم و حکومتگران از خیلی وقتها پیش حاکم گشته بود، حدود نه میلیون نفر به گفته مسئولان راهداری به مسافرت نوروزی رفتند و این شد که تلفات انسانی این اپیدمی در ایران با جمعیتی حدود ۵۰۵ درصد چین از آن کشور که مبدأ ویروس بود سبقت می گیرد. چون ملاحظات سیاسی، اقتصادی در درجه اول اهمیت است، تاجان انسانها. چون در فیلمی که از تظاهرات ۲۲ بهمن و یا انتخابات گرفته می شود و به جهان مخابره می گردد حضور مردم خیلی اهمیت دارد. اکنون که این یادداشت را می

نویسم نزدیک به دوماه از سرایت کووید ۱۹ به ایران می گذرد و هنوز مسئولین به یک مدیریت واحد، منسجم و هماهنگ نرسیده اند. وزیر صنعت معدن تجارت می گوید کسب و کارها باید فعالیت خود را شروع کنند. وزیر بهداشت مخالف است، رئیس جمهور میگوید نمی شود کارها را خواباند. مراکز علوم پزشکی دانشگاهها می گویند شهرها باید قرنطینه شوند. مردم هم سردرگم هستند. اگر سرکار می روند سلامتی خود و خانواده را به خطر می اندازند و اگر در خانه می مانند با معیشت خود چه کار کنند؟ دولت برای این زیر بار قرنطینه نمی رود که می داند باید مانند چین حداقل معیشت مردم را در زمان قرنطینه تأمین نماید و این کار را هم نخواهد کرد زیرا پولها در جاهای مناسبتری باید هزینه شود که جان ایرانیان در مقابل آن اهمیتی ندارد. حال اکثریت بزرگی از مردم ایران قبل از شیوع کرونا خوش نبود. به علت عدم مدیریت صحیح جامعه، رانت خواری، فساد، تبعیض، بیکاری، گرانی، تورم، عدم امنیت شغلی، خصوصی سازی همراه با فساد و باندبازی تمام عرصه های حیاتی جامعه ایران از جمله آموزش و بهداشت و درمان..... که کرونا هم به یاری آنها آمد تا اگر کسی از این بلایا جان سالم به دربرد کرونا به حساب او برسد.

با این حال کرونا تجاری گرانبها و درسهایی آموزنده در خود نهفته دارد که آگاهان و گروههای پیشرو و فعالین صنفی، سیاسی و اجتماعی با جمع بندی این آموزه ها می توانند آنهایی را که مسیر کسب دانش و تجربه و تعقل خود را مسدود نکرده اند ولی برداشتهایی اشتباه از نظامها، قدرتها، تحلیل طبقاتی جامعه، ادیان، مذاهب و باورها دارند، اشتباه خود را تصحیح و راه درست را در جهت رسیدن به آزادی، برابری، عدالت، صلح و پایان ظلم و استثمار در پیش گیرند و برای تحقق آن تلاش نمایند.

کرونا چنان جهانگیر شد که دیگر هیچ گروه و یا پیروان هیچ دین و مذهبی خود را نمی توانند نماینده واقعی خدا در روی زمین قلمداد کنند. رفتار کرونا با شیعه، سنی، یهودی، بهایی، زرتشتی، مسیحی، بادین، بی دین، نماز خوان، عرق خور، یکسان و دهن خیلی ها را برای خود برتربینی بسته است. اگر چنین نبود و در همان کشور مبدأ یعنی چین می ماند حتمن علت آن را کمونیست بودن مردم چین توسط مذهبپون قلمداد می شد و مردم را از هرگونه گرایش کمونیستی برحذر می داشتند. البته با تأمین مالی همه جانبه آنها از جانب سرمایه داری جهانی. و حرف آخر؛

در جواب آنهایی که سرمایه داری را آخرین مرحله تکامل جهان می دانند، باید به افراد ساکن این کره ی خاکی این را نیز یادآور شد که اگر حکم تنورسین های مدافع سرمایه داری صحیح می باشد پس پایان زیست بر روی کره ی زمین روزی نه خیلی دور اعلام خواهد شد. زیرا این نظم جهانی فقط در فکرساختن جنگ افزارهای کشتار جمعی می باشد تا از موجودیت خود و از انحصار قدرت و ثروت در دست خود دفاع کند و اگر زمانی حادثه ای یا بیماری واگیردار کمی قدرتمندتر از کرونا شیوع پیدا کند انسانها چیزی برای دفاع از

خود در مقابل آن را ندارند، مگر قبل از اینکه آن روز برسد بشریت فکری به حال خود کند. **وضمیمه:**

من این یادداشت را تمام کرده بودم که مطلبی از نوام چامسکی به دستم رسید. این امر باعث شد این یادداشت غیر از حرف آخر یک ضمیمه هم به آن اضافه گردد. همانطور که ملاحظه خواهید نمود نظرات چامسکی در رابطه با شرایط جهانی که بشریت با آن دست به گریبان است، نشان می دهد من هم زیاد به بیراهه نرفته ام، بدون اینکه قصد داشته باشم خودم را با یک نویسنده و تحلیلگر مسائل سیاسی مقایسه نمایم.

نوام چامسکی: بحران سلامتی که ویروس کرونا برای بشر ایجاد کرده است بسیار خطرناک و جدی می باشد و ممکن است عواقب وخیم تری در آینده به بار آورد. اما این بحران موقتی است و در نهایت برطرف خواهد شد. در حالی که ما با دو بحران دائمی بسیار خطرناکتر و جدی تر که هستی بشر را به یکباره از میان بر می دارد روبرو هستیم، این دو بحران یکی جنگ هسته ای است و دیگری گرم شدن کره زمین. باید اذعان نمود که این تهدیدات اعم از بحران کرونا و جنگ هسته ای و گرم شدن کره زمین تهدیداتی است که به دلیل اعمال سیاستهای نئولیبرالیسم ایجاد شده است و روزبه روز نیز شدت خواهد گرفت. بدیهی است بعد از پایان گرفتن بحران کرونا جهان با دو گزینه محتمل روبرو خواهد شد: یا بر تعداد نظامهای تمامیت خواه و مستبد به مراتب ددمنش تر افزوده می گردد و یا با یک بازسازی بنیادین با شرایط انسانی تر در جوامع ایجاد خواهد شد. اما درحال حاضر سرنوشت ما در دستان دلچک های بیمارگونه اجتماعی مانند ترامپ و متحدان همفکرش در جهان قرار دارد با پایان گرفتن بحران کرونا، مردم جهان باید تصمیم بگیرند که بر اساس چه الگو و عقیده ای می خواهند آینده خود را بنا سازند. زیرا می دانیم که منشاء همه نابسامانی ها و مشکلات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به خاطر اعمال سیاستهای نئولیبرالیسم و بازار جهانی است اما هنوز امروز بشریت با وقوع یک جنگ هسته ای از طرفی و فاجعه تخریب محیط زیست از طرف دیگر که هستی و نسل انسان را برای همیشه نابود خواهد ساخت، دست به گریبان است. بنابراین لحظات کنونی یکی از مهمترین لحظات تاریخ بشر است. این لحظات نه فقط به دلیل مقابله با ویروس کرونا است بلکه آگاهی از نقص و عیوب نظامهای جهانی و نارسایی عملکرد سیستم اقتصادی آنها می باشد که می باید برای بهبود آینده بشریت تغییرکنند. بنابراین ویروس کرونا یک هشدار و زنگ خطر برای جلوگیری از فجایع آینده است.

یارمحمد اکبری عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲۱ فروردین ۱۳۹۹

کرونا، وسواس، منفعت!



هر چند حال مان شبیه کسی ست که به او تجاوز شده؛ اما رویاها هنوز زنده اند!

یک پیش درآمد فلسفی: در یک سه گانه ی “علم تجربه ی آگاهی” یاد می گیریم که برای رسیدن از ادراک حسی به فهم، کافیست تا امر “میانجی” را کشف کنیم؛

به روایتی سهل تر، ما اموری را تجربه می کنیم، این ها تجربیات بیواسطه ی ما هستند، مثل کرونا و وسواس ناشی از آن

و سپس هرچه این تجربه ها را در ذهن به کلیت نزدیک می کنیم، چیزی “فهم” نمی شود (هر چه موضوع عینی تر باشد، از کلیت فاصله گرفته و غیر قابل فهم تر می شود، این وظیفه ی رسانه هاست که “وسواس” را بسازند.)

این گونه، معادلات مان در حوزه ی کلیت حل نمی شوند؛ توصیه می کنم در بسیاری از پدیده های اجتماعی، منافع طبقاتی را به عنوان میانجی، واکاوی کنیم. بدین ترتیب:

بنزین گران شد،

بیش از هزار نفر با شلیک مستقیم به سر خاموش شدند،

حضرات اپوزیسیون با صندوق ها قهر ورزیدند،

یک مشت احمق تر از بقیه وارد مجلس شدند؛

چه شد؟!

جناب سلیمانی قربانی موثری بود و کرونای کوچولو برای ایجاد "وحدت کذائی ملی!"

نرخ دستمزد سال ۹۹ ماست مالی شد؛ تورم فراموش شد و الی آخر. تا بخواهید سرمایه داری حاکم "نفع" بُرد. به همین منوال امریکا از شکست اقتصادی چین نفع بُرد و چه بسا از شوخی مسببین خفاش خور آن؛ کارتل های دارویی که کارشان سکه شد؛ ترکیه در سایه می تازد؛ نتانیاهو اکثریت دارد و موشک های حزب الله لبنان هم پیش به سوی تل اوپو!

چاره ای نیست رفقا!

اکثرا فرادست می دوشد و می تازد، فرودست دوشیده و فرو کوفته می شود؛ اما چاره ی کار فعلا آگاهی ست؛ آگاهی به همین مختصر که چه کسانی نفع می برند و "رسانه"، چه چیزهایی را پنهان می کند،

پشت کرونا و پشت فوبیا!

ش.ص.زاهدی

فراخوان فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری به فعالین و سندیکاهای کارگری جهان

با افتخار به ۷۵ سال سابقه تاریخی فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، ما شعار مبارزه مان برای مطالبه در سطح جهان را مطرح می کنیم :

۳۵ ساعت کار در هفته!

همکاران عزیز!

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، در طول ۷۵ سال فعالیت خود، همواره در مسیر پیشبرد مطالبات رادیکال به نفع کارگران در سطح بین المللی بوده است. و امروز، یک بار دیگر جرات دارد که چنین کند. با افتخار به ۷۵ سال سابقه تاریخی فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، ما شعار مبارزه مان برای مطالبه در سطح جهان را مطرح می کنیم : ۳۵ ساعت کار در هفته!

امروزه، هنگامی که پیشرفت های علمی تکنولوژیک و استفاده از دستاوردهای دانش همیشه نوین در فرآیند تولید، بهره وری از نیروی کار را افزایش می دهد، از منظر اجتماعی ناعادلانه است که سودهای حاصل از افزایش بهره وری به سوی سرمایه داران هدایت شوند. فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری بر این باور است که از این سودآوری ها بایستی برای بهبود شرایط کار همه کارگران کره زمین استفاده شود. ما باید با ساعاتی کاری کمتر و دستمزد و شرایطی بهتر کار کنیم و پروسه رشد فرهنگی، بشردوستانه و محیط زیست ارتقا یابد. مطالبه اجرای عمومی ۳۵ ساعت کار در هفته، فراخوانی به مبارزه و تلاش است، مطالبه ای برای زندگی و درعین حال یک خواست واقع بینانه است.

بگذارید این شعار امسال در روز جهانی کارگران اوج گیرد. پوستری که برای شما ارسال می کنیم می تواند زینت بخش ابتکارات رزم جویانه ما در هر گوشه از دنیا باشد. با اتحاد ما می توانیم به این هدف نیز برسیم!

دبیرخانه فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

۲۴ آوریل



کارگران فلزکار ترکیه: "سیستم سوذجوی حاکم مسئولیت بحران کووید- ۱۹ را به گردن دارد".

بر اساس تحقیق انجام شده توسط سندیکای متحد کارگران فلزکار ترکیه، عضو کنفدراسیون سندیکایی دیسک (کنفدراسیون سندیکاهای ترقیخواه ترکیه)، از آنجائی که کارگران فلزکار در ترکیه مجبور به کار بدون امکان ملاحظه فاصله اجتماعی در هستند و بر اساس تست های انجام شده اعضای خانواده و دوستان نزدیک به ۲۰٪ از فلزکاران به این ویروس خطرناک و مهلک مبتلا شده اند.

در آوریل ۲۰۲۰، ۸۵ درصد از فلزکاران گفتند که در فاصله ای کمتر از ۲ متر از یکدیگر در محل کار مشغول به کار هستند. (یعنی امکان فاصله گیری اجتماعی وجود ندارد.)

تعداد کارگرانی که در حین انجام کار قادر به رعایت فاصله گیری اجتماعی هستند، تنها ۱۴,۹ درصد است. ۶۰ درصد از کارگران فلزکار در صناعی که عمدتاً با کار ذوب و نورد فلزات سر و کار دارند به دلیل بیماری همه گیر کووید- ۱۹ در محل کار خود احساس امنیت نمی کنند (از جمله رفت و آمد)

۸۶ درصد از کارگران فکر می کنند که مؤسسات درمانی خصوصی باید ملی شوند.

نان بالاتر از هر چیز، حتا سلامتی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آغاز به کار پروژه ها و با بازگشت کارگران به مناطق نفتی یک ایستگاه کنترل کرونا در کنار بیمارستان عسلویه تشکیل شده و هر کارگری با یک تب سنجی ساده و گرفتن مقدار اکسیژن خونس برکه سلامت داده می شود. این در حالی است که از اوایل اسفند کارگران مجبور شدند برای فرار از مبتلا شدن به بیماری کرونا به خانه هایشان برگردند و هیچ درآمدی که کسب نکردند هیچ، حتا طلب هایشان هم به امان خدا رها شد. کارگران به دلیل وضعیت اقتصادی ضعیف و نداشتن منبع مالی دیگر مجبور شدند هرچه زودتر به سرکار برگشته و یا کاری برای خودشان دست و پا کنند.

در نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی که بیش از هزار نفر مشغول کار هستند امکاناتی به آن صورت وجود ندارد. چند مخزن آب با مایع دستشویی گذاشته اند که مثلا کارگران زود به زود دست هایشان را بشویند. فاصله اجتماعی و موارد بهداشتی رعایت نمی شود. برای نمونه از ۳۰ حراستی که به هنگام ورود کارگران باید آنان را کنترل کنند حتا دستکش و ماسک و الکل به اندازه کافی برایشان وجود ندارد. وضعیت خوابگاه و غذا و حمام ها که ماشاله دارند.

ترفندهای بانکی ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به اعلام دولت در مورد به تعویق افتادن اقساط وام گرفته شده از بانک ها، مدیران بانک ها با ترفندهایی اقساط خود را از مردم می گیرند. در پی اعتراض کارگران ذوب آهنی در رابطه با کسر اقساط توسط بانک صادرات، بانک مزبور این چنین جواب کارگران را داده است:

«مدیریت بانک صادرات: بر اساس مصوبه هیات دولت دریافت اقساط وام های قرض الحسنه به مدت ۳ ماه به تعویق افتاده است. از آنجایی که کلیه وام پرداختی این بانک به کارگران فروش اقساطی و خرید کالا بوده، شامل مصوبه مذکور نمی باشد.»

تحریریه پیام سندیکا: خدایی ناکرده سوتفاهم نشود، این مصوبه شامل حال بازرگانان محترم، کارفرمایان عزیز و رانتخورانی که بدون گذاشتن وثیقه و تضمین های مالی میلیاردی وام گرفته اند نخواهد شد. خیر، آنان در هیات دولت و مدیریت بانک ها دوستان خوبی دارند و آن عزیزان مراقب هستند آب در دل این گرامیان تکان نخورد

بیمه بیکاری دوران کرونا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از عید بسیاری از کارخانه ها و کارگاهها اقدام به بازگشایی واحد تولیدی خود نکرده و به کارگران پیغام دادند که بروند بیمه بیکاری تقاضا کنند. در حال حاضر شعب تامین اجتماعی و محدودی از کافی نت ها که باز شده اند برای ثبت نام کارگران بیکار، با ازدحام روبرو شده اند که نمی توانند فاصله اجتماعی و فاصله طبقاتی را رعایت کنند. البته دولت اعلام کرده فقط برای ۴ ماه بیمه بیکاری پرداخت خواهد کرد. روند گرفتن حقوق بیمه بیکاری در بهترین حالت ۲ ماه طول خواهد کشید یعنی تا آخر خرداد. نکته قابل توجه این است که تا آنموقع:

۱- کارگران بیکار چگونه گذران کنند؟ ۲- کارگرانی که بیمه نبوده اند چه کنند؟ ۳- بیکارانی که کار نداشته اند چه کنند؟ ۴- کارگرانی که از کارفرمایشان حقوق چند ماهه طلب دارند چگونه وصول کنند؟

در ضمن این بیمه بیکاری به کارگران ساختمانی و رانندگان به هیچوجه تعلق نمی گیرد. آیا کسی در بدنه دولت هست که پاسخگو باشد؟

گزارشی به سندیکا، در دوران کرونایی چه گذشت؟

من فرزند یک خانواده کارگری در یکی از جنوبی ترین محله های تهران هستم. چند روزی بود که بدن درد داشتم. وقتی به بیمارستان مراجعه کردم و به قسمت اطلاعات رفتم به من گفتند برو اورژانس. رفتم و گفتم بدنم درد می کند. خانمی در تریاژ از من سوال هایی پرسید: تب داری؟ سرفه داری؟ بدن درد؟ نفس تنگی؟ ...

گفتم: فقط بدن درد دارم و تب بالا و پایین می‌رود.

پرسش ها شروع شد: این چند روز کجا بودی؟ کجا رفتی؟ چکار می کردی؟ کارت چیه؟ تحصیلات؟ ...

گفتم: دو هفته پیش تولیدی کار می کردم و بعد اخراج شدم و تو خیابونها دنبال کار می گشتم.

خانم پرستارگفت: اونجا که کار می کردی یا دنبال کار می گشتی کسی سرفه می کرد؟ عطسه پشت سر هم داشتند؟

گفتم: یادم نیست.

گفت: عیبی نداره، نترس، برو صندوق یک قبض پزشک بگیر. اسمتو زدم تو کامپیوتر.

رفتم صندوق. سی پنج هزار تومان برای ویزیت دکتر قبض گرفتم، چون بیمه درمانی ندارم. در صف ایستادم. فکر کنم ده بیست نفری داخل صف بودند. بالاخره نوبت من رسید. دکتر معاینه کرد گفت: باید سیتی اسکن بشوی. اینجوری معلوم نیست. ما هم کیت نداریم. برات یه سیتی اسکن مینویسم. دفترچه داری؟ گفتم: نه. گفت برات مینویسم برو به تریاژ بگو برات یه قبض سیتی اسکن از ریه و قفسه سینه بزنه برو صندوق.

رفتم تریاژ. مرا فرستادند صندوق. اسمم پرسید و زد داخل کامپیوتر و از من سیصد پنجاه هزار تومان پول خواست. من گفتم: مگه برای کرونایی ها رایگان نیست؟ مسوول صندوق گفت: برای بیمه ای ها رایگانه اونم نه بیمارستان ما، برای ما وابسته به دانشگاه آزاده که بیمه ای ها هم فرانشیز می پردازند.

با پدرم که کارگر است تماس گرفته، ازش درخواست پول کردم که او نیز برایم چهارصد هزار تومان واریز کرد.

من سیتی اسکن را انجام دادم. دکتر با دیدن سیتی اسکنم خودش را ازم عقب کشید و گفت: سریع منتقلش کنید به بیمارستان سینا. دکتر گفت مشکوکی به کرونا.

بله من نیز کرونا گرفتم.

تریاز گفت: صد پنجاه هزار تومان بابت آمبولانس به صندوق پول پرداخت کن. دوباره مجبور شدم از پدرم پول قرض کنم.

با آمبولانس به بیمارستان سینا منتقل شدم و دو روز در بیمارستان سینا بودم. بیمارستان سینا دویست پنجاه هزار تومان بابت بستری شدنم دوباره پول گرفت. پس از یک روز بستری در راهرو بیمارستان، مرا به بیمارستان امام خمینی منتقل کردند.

در بیمارستان امام خمینی قضیه فرق کرد. بدون حتما پرداخت یک ریال بستری شدم. طی این روزها به هیچ دستگاه تنفسی وصل نبودم فقط یک سری قرص هایی که پرستار بخش می گفت قرص های روسی و چینی است، به من داده می شد.

تعداد افرادی که فقط در یک اتاق بزرگ بستری بودیم شامل چهل نفر می شدیم. فقط بیست نفر به آی سی یو منتقل شدند. ده نفر دیگر که میانسال بودند نیز در بخشی به دستگاه تنفسی وصل شدند. در دفعاتی که با این افراد هم کلام

شدم متوجه گشتم که اکثرن کارگر، خانم های مطلقه (در بخش زنان کرونایی)، یا سرپرست خانواده، یا شهرستانی های بی بضاعت بودند. نمی دانم چند نفر کشته شدند، چون نمی گذاشتند خبرها به ما برسد. ولی از چهل نفری که با من هم اتاق بودند حدودن سی نفر حالشان خیلی بد بود.

هر روز صبحانه، ناهار، شام، مایعات داغ و میان وعده آب هویج تجویز شده بود و این غذا ها خوب بودند ولی خیلی از این بیماران فقط میخواستند آنهم به علت مسکن هایی که به آنها تجویز شده بود، نمی توانستند غذا بخورند چون اشتها نداشته و یا منگ بودند. ولی این دستوری بود که به ما تجویز شده بود. اما شاید بیش از همه اینها، برخورد شاداب پرستاران بود که به ما زندگی می بخشید.

من پس از یک هفته نصفی به تشخیص پزشک از بیمارستان مرخص شده و با ملاحظات ویژه در منزل بستری شدم. برای اینکه خانواده ام مبتلا نشوند خود را در اتاقی قرنطینه کرده اجازه ندادم هیچکس در کنارم باشد. ولی در این مدت با هم از طریق تلفن همراه تصویری در ارتباط بودیم.

طی این دوره دوهفته ای قرنطینه در منزل، یک پیراپزشک و دو پرستار مهربان، از طرف اداره بهداشت محل زندگی ۳ بار برای ویزیت من مراجعه کرده برایم بطور رایگان دارو آوردند. همان قرص های خارجی. یک سری ویتامین A، C، D، E تجویز شده بود که از داروخانه تهیه کرده، من و خانوادم باید مصرف می کردیم به همراه دستور غذایی که آب هویج، آب پیاز پخته شده و عدسی به همراه مصرف آب زیاد در روز و در کنار اینها ورزشهای کششی در منزل به من تجویز شده بود.

امروز تندرست و پر انرژی در خدمت سندیکا هستم.

دامون

توفان گرانی پیش می آید!



دستمزد سال جاری را در حالی با کارگران ۲۱ درصد حساب کردند که فقط حبوبات تا آخر فروردین به ۲ برابر قیمت رسیده است.

«به گزارش پایگاه خبری البرز و براساس گزارش های میدانی، قیمت اکثر موارد حبوباتی به حدود دو برابر قیمت قبل عید در بازار کرج رسیده است. بطور مثال، لوبیا سفید که تا قبل از عید، هر کیلوگرم کمتر از ۲۰ هزار بوده، اکنون بیش از ۳۵ هزار تومان در فروشگاه ها فروخته می شود.»

نرخ تاکسی ها با توصیه های پزشکی جهت فاصله گذاری به بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. چون رانندگان تاکسی برای دریافت کرایه یک نفر مسافر کمتر که سوار می کنند، کرایه اش را سرشکن مسافری دیگر کرده، از سه مسافر دیگر می گیرند. با توصیه های پزشکی که خوردن سیر و پیاز را مفید دانسته اند، طی دو هفته اخیر قیمت سیرسبز از کیلویی ۱۰ هزار تومان به کیلویی ۲۵ درصد هزار تومان رسید. مواد ضد عفونی کننده را که خود دولت از ماسک یکبار مصرف ۵۰۰ تومانی به ۴۵۰۰ تومان افزایش داد. خبرها حاکی از آن است که مرغداران برای اینکه مجبور به کاهش قیمت گوشت سفید نشوند جوجه های یک روزه خود را بصورت میلیونی دفن می کنند.

ناظرینی که با افزایش قیمت بنزین هر شب در تلویزیون نمایش بازی می کردند امروز از آنان اثری نیست. تورم و گرانی همچنان خواهند تاخت.

برشی از مبارزات آموزگاران!

اولین داده های تاریخی از آموزگاران بر می گردد به تشکیل اتحادیه های کارگری در سال ۱۲۹۷ که در پایان آن سال اتحادیه معلمان تهران تشکیل می گردد. میرزاحسین خان امید نماینده اتحادیه معلمان می شود.

شکراله مانی می نویسد: تشکیل اتحادیه های ناوایی، آموزگاران، کارمندان پست و تلگراف، خیاطان، کفاشان. در این سال یازده اتحادیه تشکیل شد. البته همه اتحادیه های تهران به صورت منظم تشکیل نیافته بود و بعضی از آنها دارای صندوق نبودند و حق عضویت دریافت نمی شد.

در کنگره حزب کمونیست ایران در سال ۱۲۹۹ یکی از مفاد برنامه اش پیگیری و تشکیل اتحادیه ها را گنجانده بود. سازمان آذربایجان حزب کمونیست ایران در بوجود آوردن اتحادیه های کارگری و اتحادیه های معلمان و روشنفکران در تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان نقش فعالی داشت .

دیماه ۱۳۰۰ اولین اعتصاب آموزگاران در تهران شکل گرفت که به علت پرداخت نشدن شش ماه از حقوقشان بود. در این اعتصاب تیمورتاش به آموزگاران در مجلس شورای ملی توهین کرد که متعاقب آن در تاریخ ۱۳۰۰/۱۰/۲۱ روزنامه حقیقت در جواب تیمورتاش نوشت: ما استخوان پوسیده یک معلم را به صد نفر از امثال شما نمی فروشیم.

تظاهرات دانش آموزان به حمایت از اعتصاب معلمان خود نیرویی را نوید می داد که نه تنها حقوق صنفی خود بلکه سیاست های فرهنگی دولت را نیز به چالش می کشید. دانش آموزان با پارچه سیاه رنگی که روی آن نوشته شده بود: «احتضار معارف، حمل کرده، در میدان توپخانه فریاد کشیدند، زنده باد معارف» تظاهراتی را در میدان توپخانه سازمان دادند.

اما کار به همین جا ختم نشد و آموزگاران تهرانی برای اینکه وضعیت پرداخت حقوقشان مشخص شود در شهریور ۱۳۰۱ تحصنی سازمان داده برای تامین بودجه خود در دولت دولت مجبور گشت دستوری این چنین بدهد. «نامه دولت که همه ماهه در هشتم ماه فرنگی مبلغ ۸۰۰۰ تومان از عایدات گمرکات به مدارس پرداخت شود و حقوق معوقه بطور استهلاک تادیه گردد» معلمان متقاعد شده در سرکلاس ها حاضر شدند. در همین سال در ۱۸ فروردین ۱۳۰۱ اتحادیه معلمان تبریز تشکیل می شود. متعاقب آن پیام تبریک اتحادیه معلمان تهران توسط حسین امید، ابوالقاسم رجایی، ابوالفضل لسانی به اتحادیه معلمان

تبریز مخابره می شود. «رفقای محترم! تشکیلات مقدس صنفی شما و ما تمام علاقمندان به سعادت کارگری و رنجبری را امیدوار ساخته، لذا احساسات پاک شما را با صدای متحد تبریک و تقدیس می گوئیم. تشکیلات ما نیز در اثر زحمات چند ساله رو به تنظیم و ترتیب می رود. بزودی شما از تاریخچه اتحادیه و فهرست مقاصد و نظامات داخلی و خط مشی معلمین مرکزی مستحضر داشته و ارتباط عقاید از نقطه نظر اتحاد افکار و پیشرفت مقاصد برقرار و تحکیم خواهد شد»

با روی کار آمدن رضاخان و حمله به اتحادیه های کارگری و دستگیری نمایندگانشان، اتحادیه آموزگاران نیز فعالیتش زیرزمینی می شود. در گزارش به جنبش سندیکایی در کنگره چهارم بین المللی سندیکاهای سرخ توسط کارگر چاپخانه رضاقلی عبدالله زاده (سیفی) به تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۰۷ می خوانیم «مهمترین آنها اتحادیه کارگران چاپخانه هاست (کتب)، اتحادیه کارگران پست و تلگراف و تلفن، داروسازان، کارگران قورخانه (اسلحه سازی)، چیت سازی، معلمین، کفاشان، که به همان اندازه پیگیر نیستند. عضویت کارمندان دولتی در سندیکاها موقوف است» این ممانعت، آموزگاران مبارز را از پای ننشانند و آنان به مبارزات خود ادامه داده تا اینکه برای اولین بار در ۱۹ اسفند ۱۳۱۳ «قانون شرایط کار معلمان در دانشسراهای آموزگاران» به تصویب رسید.

متأسفانه در همین سالها بسیاری از آموزگاران خلاق و نواندیش و مبارز از کار اخراج شدند. کافی است به دوران زندگی نیما پوشیچ و همسرش عالییه خانم جهانگیر که در کسوت آموزگاری به آستارا رفته اند (۱۳۰۹) نوشته هادی راشد، نظری بیاندازیم تا سختی کار و فعالیت کاسه لیسان برای اخراج این دو آموزگار نواندیش را درک کنیم.

فعالیت ادامه دارد. به همت رضا روستا، علی کباری، امیرخیزی در سال ۱۳۰۹ اتحادیه معلمین رشت در خفا پایه گذاری می شود و در همین سال در مشهد نیز اتحادیه معلمین با بنیان گذاری پروین گنابادی شروع به کار می کند.

با فرار رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ و باز شدن فضای سیاسی فعالیت های صنفی دوباره رونق می گیرد. اتحادیه های معلمان در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان و شیراز جانی دوباره یافته و در مهر سال ۱۳۲۵ با پیوستن چهار اتحادیه کارمندی به شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران: سندیکای مهندسان و تکنسینها، اتحادیه معلمان و کارکنان آموزشی کانون وکلا، انجمن پزشکان و دامپزشکان و اتحادیه کارکنان شرکت نفت، شکل نوین با همبستگی و قدرت بیشتری به نمایش گذاشته می شود.

اسفند ۱۳۲۵ - معلمان مدارس ابتدایی برای ترمیم حقوق خود دست از کار کشیدند و معلمان دبیرستانی نیز به حمایت از همکاران خود برخاستند.

۱۳۲۱/۱/۲۵ - اعتصاب پنج روزه معلمان برای افزایش حقوق و صدور قطعنامه توسط دانش آموزان در حمایت از آموزگاران خود.

این شکل از همبستگی که دانش آموزان از آموزگاران خود حمایت کرده و حتی قطعنامه صادر کنند نوید بخش دوران تازه ای از مبارزات بود.

مبارزات صنفی و سیاسی آموزگاران تحت لوای شورای متحده مرکزی زحمتکشان، با توانی قدرتمندانه به پیش می رود تا به آنجا که در مبارزات ملی شدن نفت و طرد نخست وزیر روباه صفت، قوام السلطنه، نقش تاریخی خود را به همراه دیگر زحمتکشان ادا می کنند. این مبارزات به پرورش کادرهای ارزشمندی که کار صنفی را در کنار کارهای سیاسی فرا گرفتند و از تیغ مرگبار کودتای ۲۸ مرداد جان سالم به در بردند، باعث شد تا کانون فرهنگیان تهران را در باشگاه مهرگان بنیان گذاشته و اعتصاب شکوهمند ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ را رقم زنند. این اعتصاب آن چنان شاه و ساواک و چشم و گوش های بی مقدارشان را در اداره فرهنگ متعجب کرده بود که دست به جنایتی شنیع زده و دکتر ابولحسن خانعلی را در پیش چشمان هزاران فرهنگی با گلوله رئیس کلانتری بهارستان، سرگرد ناصر شهرستانی می کشند. آنچه پس از آن اتفاق افتاد اعتراضی بی سابقه ای بود که ظهور کرد. فرهنگیان به پلیس حمله کرده آنان را از میدان بدر کردند. نعش دکتر خانعلی چون پرچمی افراشته از دست گزمگان و کاسه لیسائی چون محمد درخشش به در آورده و پس از آنکه در بیمارستان بازرگانان مرگ حتمی او اعلام شد به مسجدی در حوالی چهارراه سیروس برده و تا شب به مراقبت از این نماد آزادیخواهی پرداختند. همان شب فعالین کانون معلمین تهران در مسجد تصمیم به برگزاری وداعی باشکوه گرفتند و با ارتباط گرفتن با سندیکای کارگران چیت سازی تهران، سندیکای کارگران کوره پزخانه ها و بسیاری از فعالین کارگری در جنوب شهر، وداعی تاریخی و سیلی سختی به دستگاه پلید شاهنشاهی زدند. وداع که با حضور دهها هزار نفری مردم از سرچشمه تهران تا چهارراه سیروس شروع شده بود تا قبرستان ابن بابویه ادامه یافت. ساواک و ارتش عاجز مانده از آنکه بتوانند جسد دکتر خانعلی را بفرموده شاه، به نمایشی تبدیل کنند تنها به تماشاگرانی بهت زده تبدیل کرد. پیکر دکتر خانعلی به این دلیل به ابن بابویه برده شد که هم جان باختگان ۳۰ تیر در آن خفته بودند و هم جمعی از افسران آزادیخواهی در آن آرام گرفته بودند. او در کنار شهدای گمنام ۳۰ تیر و آزادیخواهان به آغوش سرزمین مادری رفت.

پس از این واقعه و ۱۱ روز استقامت آموزگاران بالاخره مجلس تصویب نمود: «برابر شدن حقوق معلمین با حقوق مهندسین»

رژم که خود را بازنده احساس می کرد برای آنکه بتواند اعتراضات معلمین را مهار کند با تعویض علی امینی با شریف امامی و وزارت دادن به محمد درخشش و اعلام ۱۲ اردیبهشت روز معلم، اعتراضات مستقل صنفی را به گلایه هایی به محضر شاهانه تبدیل نمود.

تاریخ قاضی شرافتمندی است. امروز نام های اهریمنی چون علی امینی، مهندس شریف امامی، محمد درخشش، محمدرضا پهلوی، سرگرد ناصر شهرستانی در کجای تاریخ قرار دارند، و دکتر ابوالحسن خانعلی که نماد شرافت معلمی است و در دل میلیونها انسان قرار دارد کجا.

بر شهدای خود نظر می افکنیم و افتخار می کنیم که رهرو چنین انسانهایی هستیم.

روز معلم بر آموزگاران نور و روشنایی شادباش

مازیار گیلانی نژاد اردیبهشت ۱۳۹۹

منابع:

۱- پیدایش حزب کمونیست ایران نوشته تقی شاهین چاپ تهران ۱۳۲۶

۲- شوق یک خیز بلند نوشته جلیل محمودی ناصر سعیدی

۳- اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران (۴ جلد) نوشته خسروشاکری

۴- تاریخچه نهضت کارگری در ایران نوشته شکراله مانی

۵- اتحادیه های کارگری و قانون کار در ایران ویلم فلور

۶- بازخوانی اسناد زندگی نیما در آستارا نوشته هادی راشد

به معلمین میهنم! به آموزگارانم!

به خردمندان خاموشی که دنیای ما را روشن ساختند!

❓ معلم عزیزم، من آخرین انشایم را هم نوشتم!

● معلم کیست و چه وظیفه ای دارد؟

معلم آقای دانایی بود، اوسی سال معلم بود! آقای دانایی هیچ وقت شرمنده ی روزگارش نبود، چون حقوقش آنقدر بود، که برای چشمان کم سویش از جایی وام نگیرد! اوسفره ی رنگینی داشت، پر از نبوده هایی که در خواب هیچ کس هم نبود! اوعصای کهنه و مندرس خود را هیچگاه عوض نکرد، چون به او گفته بودند این کار اسراف است و نکوهیده! کفاش محل کفش های معلم مرا به تمسخر می گرفت، چون چندسال از عمرش را در پای آقای دانایی سپری کرده بود! آقای دانایی هیچ وقت بدون عینک گریه نمی کرد، اشکهای او را به جز رفتگر محل کسی ندیده بود! معلم مرا جور روزگاران غصه داده است، او وقتی می خندد حتما گریه می کند. آقای دانایی همیشه به ما میگفت: بچه ها سعی کنید بفهمید، ولی فهمیدن زیاد چندان خوب هم نیست! مثل من و امثال من می شوی! معلم زندان رفته به چه دردی می خورد! معلمی که ،،خواستارش، دوره کردن رنج روزگار باشد! به چه کاری می آید! آقای دانایی روزی گفته بود: به آینده ای که باورش داری شک نکن! اگر سرت را در حیاط مدرسه شکستند، نگذار دلت در کشاکش روزگار شکسته شود!

واین بود آخرین انشایم. و تا همیشه،،،،، پیشانی بلند همت تمام آموزگاران میهنم را می بوسم!

آرین سندیکالیست

❓،، روز معلم گرامی باد،،،،،

صادق

در فاحشه‌خانه به دنیا آمده بود. خاله‌ها و مادرش از کار که برمی‌گشتند، با پاهای کثیف و نحیفش پشت کمرهایشان راه می‌رفت که خستگی‌شان را رفع کند و خودش غرق لذت کودکانه‌ای می‌شد. مادرش لب‌هایی معمولی داشت با چشم‌هایی معمولی اما انگشتانی کشیده و جذاب. از خاله آفاق کمی حساب یاد گرفته بود و گاهی دستمزد مادر و خاله‌هایش را می‌شمرد. کمی که بزرگتر شد با خمسی دیوانه‌وار، خاله‌ها و مادر را رها کرد و رفت و یاد‌خنده‌های کودکانه‌اش را در ذهن گشت. هجده سالگی مداد شمشیرنشان و خودکار بیک می‌فروخت جلوی دانشگاه. پاییز بود که دختری با لب‌ها و چشم‌هایی معمولی مقنعه‌اش را از روی سینه‌اش به پشت، سر داد و دو سه خودکار خرید و رفت. بعد از آن گاهی می‌آمد کلاسورش را می‌گذاشت کف زمین، می‌نشست روبه‌رویش و حرف‌هایی معمولی بینشان رد و بدل می‌شد. روزی دختر بی‌مقدمه گفته بود در زندان به دنیا آمده، تنها روزی بود که دختر مداد خرید و هیچ حرف دیگری نزد. از آن روز معنای تن زن برایش دگرگون شد. تنی در زندان، نه در لای دست و پای مردانی هرزه.

زمستان شد. صادق عاشق بهار نشد.

صادق تا روزی که خودش را حلق‌آویز کرد عاشق هیچ زنی نشد.

اما بهار جای او عاشق تمام زنانی شد که صادق می‌بایست عاشقشان می‌شد.

نسیم بنی کمالی

کرونا و زنان سرپرست خانوار!

یکی از اقتشاری که از تاثیرات منفی کرونا در امان نیستند، زنان سرپرست خانوارند، زنانی که جبر زمانه نقش آنان را افزایش داده و علاوه بر ایفای نقش خود به عنوان یک زن، باید نقش نان‌آور خانواده را نیز به دوش بکشند.

البته همه زنان سرپرست خانوار از نظر اقتصادی، نیازمند تلقی نمی‌شوند و تعدادی از آنان دارای تمکن مالی، درآمد و شغل مناسب هم هستند، اما درصدی زیادی از این افراد شرایط درآمدی مناسبی ندارند و حتا قبل از شیوع کرونا وضعیت اقتصادی بسامانی نداشتند، کرونا نیز مانند طوفانی سهمگین به ناگاه از راه رسید و بساط درآمد نیم بند آنان را چنان درهم نوردید و مچاله کرد که حال آنان برای مرتفع کردن نیازهای اولیه خود به حدی ناتوان شدند که نیازمند دریافت خدمات نهادهای حمایتی هستند.

پیش از کرونا نیز مشکلات اقتصادی به‌علاوه فشارهای روانی، تنهایی، ناامیدی و به دوش کشیدن بار مشکلات زندگی، زنان سرپرست خانوار را به قشری آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت تبدیل کرده بود.

تعداد زنان نان‌آور خانواده در کشور کم نیستند. آمارها می‌گویند نزدیک به چهار میلیون زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که یک تته پار زندگی را به دوش می‌کشند. فاطمه یکی از آنان است با چهار فرزند دختر که یکی از آنان با بیماری کلیوی می‌جنگد و هر چند روز یک بار مجبور است برای انجام دیالیز راه بیمارستان را در پیش بگیرد. او قبل از کرونا در بخشی از منزل کوچک اجاره‌اش با چرخ قدیمی برای مشتریان خیاطی می‌کرد. کرونا که آمد و بساط مهمانی و دورهمی‌ها را جمع کرد، مشتریان خیاطی فاطمه نیز سقوط کردند تا درآمد او از زیر خط فقر به زیر خط فلاکت سقوط کند. فاطمه می‌گوید: «هر سال نزدیک به نوروز و عید درآمدم از دوخت و دوز خوب بود، اما عید امسال به خاطر شیوع کرونا دیگر کسی دل و دماغ دید و بازدید عید و جمع‌های دوستانه را نداشت. بنابراین لباسی را هم سفارش ندادند. من سال‌های قبل نزدیک سال نو روزی بیشتر از ده لباس سفارش دوخت می‌گرفتم، اما ماه پایانی سال گذشته روی هم رفته حتی ده تکه لباس هم نتوانستم سفارش بگیرم و بدوزم. بنابراین در این وضعیت، بی‌درآمدی مجبور شدم پولی را که برای اجاره منزل کنار گذاشته بودم برای هزینه دوا و درمان بیماری دخترم بپردازم. همین باعث شد اجاره اسفند و فروردین را پرداخت نکنم. البته

صاحبخانه‌ام زن خوبی است و تا حالا حرفی نزده است، اما می‌دانم او هم سرپرست خانوار است و منبع درآمدش همین اجاره ماهانه است که من پرداخت می‌کنم. حالا مانده‌ام اگر این روند ادامه داشته باشد، تکلیف من و امثال من چیست که هیچ پشتوانه مالی و عاطفی به جز دستان چروکیده و چشمان کمسوی خودمان را نداریم.

شمسی نیز زن نان‌آور خانواده‌ای است که با دو فرزند دانش‌آموزش، مادر پیرش را نیز سرپرستی می‌کند. معیشت شمسی با مدارس و دانش‌آموزان گره خورده بود. او بوفه مدرسه‌ای را در اجاره داشت و در زنگ تفریح به دانش‌آموزان مواد خوراکی، ساندویچ‌های خانگی، چای و... می‌فروخت. از زمانی که کرونا مدارس را به تعطیلی کشاند، درآمد شمسی نیز تعطیل شد، اما هزینه‌هایش نه!

شمسی بدون هیچ درآمدی باید مثل گذشته نیازهای مالی خانواده را پوشش دهد، خواسته‌های بچه‌هایش را جامه عمل ببوشاند و هزینه‌های درمانی مادر پیرش را بپردازد. خودش می‌گوید: «درآمدم با تعطیلی مدارس تعطیل شد، اما هزینه‌های زندگی‌ام جاری است. علاوه بر نیازهای خوراکی و تغذیه خانواده، خواسته‌های فرزندان دانش‌آموزم بر من فشاری مضاعف است. آموزش و پرورش هر روز یک ساز می‌زند و من توان حرکت با این سازها را ندارم. بچه‌هایم گوشی همراه ندارند که هوشمند یا غیرهوشمند باشد، خودم نیز یک گوشی قدیمی دارم که قابلیت نصب برنامه‌های آموزش از راه دور آموزش و پرورش را ندارد. بنابراین هر دو فرزندم از زمان تعطیلی مدارس هیچ آموزشی دریافت نکردند. علاوه بر اینها هزینه‌های درمانی مادرم بالاست، مدت‌هاست تصمیم داشتم برایش سمعک بخرم، اما حتا آن زمان هم که کار داشتم زورم به خرید آن نمی‌رسید، حالا حتا نمی‌توانم عینک‌اش را عوض کنم که تار نبیند و به در و دیوار نخورد!»

وی تأکید کرد: «درد ما زنان سرپرست خانوار یکی دو تا نیست. ما با مجموعه‌ای از مشکلات دست به یقه هستیم، اما کرونا وضعیت را بدتر کرد و زندگی ما را دشوارتر از قبل! در حال حاضر مشکلات مالی من به حدی رسیده است که شروع به فروختن وسایل خانه‌ام در سایت دیوار کرده‌ام، آن هم با نصف قیمت! هفته گذشته اتویم را فروختم تا بتوانم مقداری گوشت و مواد غذایی برای بچه‌هایم بخرم. شاید این هفته نوبت جارو برقی شود یا قرعه به نام وسیله دیگری بیفتد. مشخص نیست این وضعیت تا کی ادامه دارد و ما تا کی در این اضطراب و سردرگمی روز را به شب و شب را به روز برسانیم.»

بی‌شک نمی‌توان زنان سرپرست خانوار را قربانی و منفعل در برابر شرایط اجتماع دانست، بسیاری از آنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در سطح جامعه دوش به دوش مردان و حتی گاهی بهتر و تاثیرگذارتر از آنان ظاهر می‌شوند، اما واقعیت این است که کرونا شرایط فعالیت و کار را برای بخش زیادی از زنان نان‌آور خانواده سخت کرده است. تجربه‌های شخصی این زنان در گفت‌وگو با رسانه‌ها نیز موید این موضوع است.

«زنان نیمی از جمعیت کشور ما و یک ارتش بزرگ کارگری هستند، آنان فرزندان ما را آموزش دهند، نسل آینده ما و آینده ما را. ما نمی‌توانیم به این موضوع بی‌تفاوت بوده تا این ارتش بزرگ کارگران در تاریکی و نادانی گم شوند! به همین دلیل است که ما باید به فعالیت‌های عمومی کارگران زن نگاه ویژه داشته و کاندیداتوری آنها به پست‌های رهبری سندیکا را تشویق کنیم.

عضویت زنان در سندیکا و رهبریش به عنوان نشانی واضح از رشد فرهنگ مان، استقبال می‌کنیم»

زندگی

ما مرگ را

شکست خواهیم داد

وقتی زندگی

هنوز تمام

حرف‌های مان را

گوش نکرده است

سیدعلی صالحی



در چه فکری دختر؟

-سه ماهه در همه جا صحبت از کروناست هی آمار مبتلایان و را اعلان می کنند همه منتظر واکسن و ... هستند اما !!

سالهاست فقر و گرسنگی صد برابر کرونا می کشد که واکسن اش فقط نان است. هنوز پیدا نشده است، می دونی چرا؟ چون واگیر نیست. ضد عفونی لازم نیست. اما فاصله گذاری چرا هست. باید از فقرا و گرسنگان فاصله گرفت. ما فقط آه می کشیم و نفرین می کنیم، اما تا بحال آه و نفرین هیچ فقیری هیچ سرمایه داری را نگرفته است باید راه دیگری پیدا کرد.



این تصویر از ایران نیست، ولی فرقی هم نمی‌کند، چهره کریه فقر در تمامی جوامع یک سان است:

مادران فقر و کار

گرامی باد اول ماه مه

این سنت دیرینه جاوید گشت در سینه

دیدار عزیزان را روبوسی رفیقان را

حرمت بر بزرگان یادآوری نخبگان

در جان ما عجین است.

از گفته های پیران استادان گرانقدر

بزرگی در شائن شان آموختند بر جوانان

وحدت کنید ز ایمان.

از دست رفتگان هم

آموختند به یاران.

برزگر و کارگر هر دو نشان ایران

در راه حفظ صنعت کوشیده اند فراوان.

پیش رویم بی امان به حکم زحمتکشان

تشکل از آن ماست

برای حق بیان.

اوس ممد کاهه جوشکار

روز کارگر موارک:

دتا دس زخمی و پر پینه دارنی

هزار فکر و خیال شه سینه دارنی

ته زحمت روز و شوره یاد نکمبی

ته جشن و خاطره دیرینه دارنی

امیرحمزه طاهری

به پیشواز اول ماه مه برویم!

من فکر می کنم

هرگز نبوده قلب من

اینگونه گرم و سرخ، احساس می کنم

در بدترین دقایق این شام مرگ زای

چندین هزار چشمه ی خورشید

در دلم می جوشداز یقین، احساس می کنم

در هر کنار و گوشه این شوره زار یاس

چندین هزار جنگل شاداب

ناگهان

می روید از زمین

(احمد شاملو)

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

کشاورز و دامدار نمونه

چطور شد شما کشاورز و دامدار نمونه شدید؟؟

-با من بودید؟؟ -آره

من در روستای اسلام آباد زندگی می کنم. چند هکتار زمین و چند راس گاو و گوسفند دارم اون زمان دیگر گذشت، صداقت و حلال حرام و راستگویی و مردی و مردا.....حالا باید بروز رسانی کرد. والا نمی تونی زنده بمانی. قدیما همه چیز با امروز فرق داشت **الآن کی به کیه**. وقتی گندمهایمان را به شرکت می فروشیم، مقداری ماسه بادی قاطی می کنیم تا سنگین بیاد. دیگه به هر انسانی ضرر کند یا نکند **کی به کیه**. وقتی سیب زمینی یا پیاز را می خواهیم در بیاوریم، یک دارویی هست از خارج نییاد از کشور خودمان می خریم. هورمون یا شیشدمه داوایی می گوئیم. موقع آبیاری با آب قاطی می کنیم به زمین می دهیم، اندازه سیب زمینی یا پیاز می شود اندازه توپ والیبال. دیگه بکسی ضرر کند یا نکند **کی به کیه**.

وقتی گاو یا گوسفندی را می بریم بازار بفروشیم. شب آرد نخود یا کنسانترا برایشان می دهیم. صبح اول وقت چند سطل آب می دهیم، تا موقع وزن کشی چند کیلو سنگین بیاید. آب را به قیمت گوشت می فروشیم. دیگر به قصاب سود کند یا نکند **کی به کیه**.

علوفات را که می بریم در میدان بفروشیم، به یونجه یا علف خشکیده آب می پاشیم تا سنگین بیاد. دیگه به دامدار سود کند یا زیان **کی به کیه**.

وقتی شیر گاو یا گوسفند را می بریم بفروشیم، مقداری آب جوش قاطی می کنیم. دیگر مشتری را مریض کند یا نکند **کی به کیه**.

عرق علف های صحرايي را مي ريزيم توي شکر. زنبورها از شکر عسل درست مي کنند، تا عطر گياهان دارويي بيايد و مشتري فکر کند عسل اصل اصله. ديگر به مريض يا مصرف کننده سود کند يا زيان کي به کيه.

با کمک سم و ويتامين و هورمون در عرض ۴۵ روز مرغ را با وزن بيشتري از سه كيلو دست مشتري مي دهيم ديگر مصرف کننده پا و کمر درد و سرطان و ... بشود يا نه. کي به کيه.

گنجشک را رنگ مي کنيم جاي قناري مي فروشيم. ديگر آواز نخواند يا رنگش برود کي به کيه.

از لوبياي سفيد و روغن، کره حيواني درست مي کنيم و مي فروشيم. مخصوصان در ماه رمضان مشتري زياده. ديگر روزه دار را اس.....ال کند يا نکند کي بکيه.

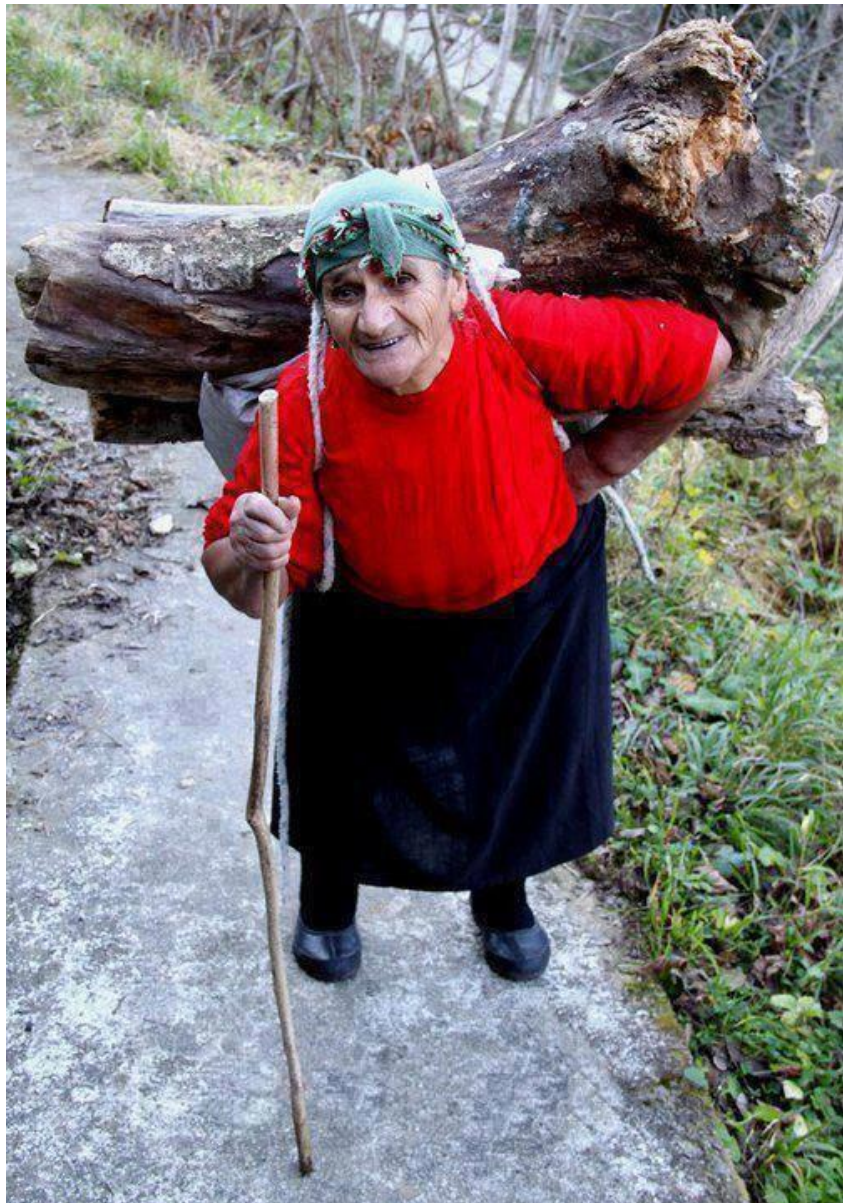
۲×۲=۶ کي به کيه .

قيمت را هر بقالي خودش تعيين مي کند کي به کيه.

روز به روز تعداد قهوه خانه ها زياد مي شود. باشگاه و مدرسه کمتر. کي به کيه.

ووووووو امسال هم زيارت بيت خدا خواهم رفت. قبول بشه يا نشه حاجي بشم يا که نشم، کي به کيه .

کازيم عاشقي



آیا از ثروت این کشور مرا حقی هست؟



در کنار هم همبسته می مانیم!